

داده است که مسوای تقه قلاع آنها را اختیار است که تقه هر چه را بخواهند بگیرند کویا حضرات از کراچی و لاهور وارد دهل شده عنقریب بگلته و مدراس و کلبو خواهند رفت

§ جہاز موسوم بہ (انگلیمن) بتاريخ ۲۹ جولای از بمبئی حرکت و ۱۳ افسر و یکہزار دو نفر اسرای ترسوال را حامل بوبہ است

§ والا حضرت نواب (رامپور) پنجاہ ہزار روپیہ بمدرستہ علیکرہ و عدہ انعام دادہ بود پست و پنج ہزار آن را سابق دادہ اینک نیز پست (۲۵) ہزار روپیہ دیگر را بدارالعلوم موسوف فرستادند

§ بین (میرپہ - مظفرنگر) حادثہ سختی در ایستگاہ راہ آهن از لہام دو قطار کالسکہ بخار روی دادہ جی تلف و مجروح شدہ اند

§ ہفتہ گذشتہ (۱۴۵۹) نفر در تمام ہندوستان از طاعون تلف کردیدہ در صوبہ پنجاب (۸۸) بمقابلہ (۸۰) نفر تلفات طاعونی ظاہر کردیدہ است § ہفتہ گذشتہ در ممالک انگلیسہ ہند قحطزدگان تخمیناً ۹ ہزار کم شدہ (۷۳۸۷۷۲) باقی است در امارتہای بومی (۱۹۳۰۹) کم شدہ تخمیناً (۸۹) ہزار باقی اند

§ مہاراجہ جیپور ارادہ خود را ظاہر داشتہ کہ مائل است بہ شفاخانہ شاہی انگلستان مبلغ پنج ہزار لیرا اطاعتاید

§ آریبل میراثہ بخش خان و سردار محمد یعقوب خان را در حرکت جشن دربار دہلی دعوت نمودہ اند § نواب فتح علی خان قزلباشی رئیس معظم (لاہور) قبل از مراجعت از لندن بوطن خود سائر بلاد اروپا را نیز سیاحت خواهند فرمود و افواہا شنیدہ میشود کہ یک دستگاہ مطبعہ المجریہ کہ در ہندوستان تالی ندارد ہمراہ خود خواهند آورد

§ دریای (اندسان) در دیر تازی خان خلی پابین رفتہ - لکوکا روپیہ بحکومت و اہالی قائدہ رسیدہ است

§ روزہ شبہ ضعیفہ از راہ ترموہ مقابل (ولنگن اسکوائیل) کہ در محلہ (بہاری ٹولہ) واقع اجت میگذشت یختاً ترموہ اسی رسیدہ ضعیفہ را انہایتہ از بالایش

کشت آن بخت برکت را فروری حلال نمود § اسالہ درین موسم بسبب خشکالی وعدم بارندگی از راہ سینان عبور و مرور قوائل صورت امکانہ نمی بندہ

§ تاکنون علامت باران در حیدرآباد محسوس نیست - مردم در اضطراب و برکوبہ برای ناز استغی رفتہ اند § لاهور بساعت یازدہ شب احساس زلزہ شدہ و حرکت آن را دوتابہ نوشتہ اند

§ کیسیون پلیس در ممالک متحدہ (آکرہ) و (اودھ) مشغول تحقیق اند عقیدہ ما براین است کہ اختیارات پلیس را زیاد خواهند نمود تہجہاش برای اہل ہند - مانند کیسیون تعلیم خواهد بود

§ فرمانفرمای ہند بعد از سیر و شکار جنگلات - میسور ۱۲ ماہ حال وارد (اوتوکاند) کردیدہ مہمان (لارہ اشہل) حکومت مدراس مییابد

§ مہاراجہ کشمیر بمناسبت تاجگذاری اعلیحضرت (ادورد ہفتم) سیاحان اروپا را مدعو نمودہ بیدی - کرزن صاحبہ نیز در این جشن شرکت داشتند عدہ مدعوین بالغ بریکصد و شصت نفر بود تمام کوبہ های سکرد و نواح را چراغان نمودہ و دہ ہزار نفر با مشعلہای روشن ایستادہ بودند

§ در دربار دہلی ۱۵۰ نفر از دیران اخبار را مدعو نمودہ کہ منجملہ آن ۱۶ اروپائی و (۱۲۴) بومی اند

§ آریبل سرجارس ریواز بازارنایش تصاویر شمشہ را بتاريخ ۱۱ ماہ حال افتتاح نمودہ روز اول (۳۲۰۰) روپیہ تصاویر بفروش رسید

§ ولیمہد سلطان مسقط را برای شرکت در جشن تاجگذاری دربار دہلی مدعو نمودہ اند

§ ہفتہ گذشتہ در آسام و بنگال باران شدیدی باریدہ در دارجلینگ از شدت باران چند مقام کوبہ مرتکوف شدہ در عبور و مرور خلل واقع گردیدہ است اہالی مقامہای دیگر ہم در فائدہ

§ مہاراجہ سکوالیار ۱۴ ماہ حال از لندن طرزہ ہندوستان کرید

§ مہاراجہ جیپور ۲۴ ماہ حال و دیگر روسا ۲۸ روایہ چند خواہند شنید

§ در سوختن بمبئی از عدم باران بزرگ اندیشه غمناک شدیدی وجود میگوید. اگر در هر هفته یکبار باران نیاید تمام زراعت خراب خواهد شد تاکنون که آخر موسم باران است از اندازه معمول مقدار نصف کفایت باران یاریده است

§ اخبارات برمی نهند که در مضامین (فازیبور) زن بی از شیر فروشان در فاصله یکماه دو طفل وضع نموده و هر دو سالم و ترنمه آمد

§ بجهت مهیا نمودن بهیچات در دهلی ۱۷ میلیون و هویست هزار روپیه منظور شده و بجهت انتظام ۱۷ هزار پولیس در دهلی جمع خواهند کرد

§ علاوه بر عهده که جناب فاضل جلیل القدر سید علی بلکرامی در دارالعلوم (کمبرج) حاصل نموده چهار صد لیرا سالانه نیز از اداره وزارت هندوستان در لندن برای ایشان مقرر شده است اینها همه نتیجه علم و ولایت این سید بزرگوار است

◀ کلکتہ ▶

§ درین هفته باد و باران زیاد بود و علامت طوفان هویدا محتمل عمومی مثل هفته گذشته است و عده اموات روزانه نیز کثرت

§ ضمیمه جوانی از بومیان مسماة به (راج کاری داسی) سهواً مقداری (سرك موش) بموض نظرون که طادی بخوردن او بود خورده فوری تلفت شده به بیمارخانه (مدیکل کالج) رفته ولی زهر کار خود را نموده بعد از ساعتی هلاکت نمود

§ دیروز در محکمه حاکم پلیس علی پور کهنه دزدی باشنده (بستوبور) را بجرم اراده گشتن شخص ضهرالدین ملک نامی که در خانهاش دزدی نموده و بسی مجرم را حبس نمودند حاضر و مرافعه او ملتوی ماند

§ قاضی یکی از ملاکین (دایندهاربر) باونی از بومیان آنجا آشنائی ناجائز داشته شب شانزدهم ماه جاری او را بقتل رسانید و جسدش را در برکه آبی انداخته مملجات پلیس در شخص قاتل و گرفتاری او ساهی اند ولی تا بحال بدست نیامده است

§ در محکمه عدالت پلیس علیپور شخصی حسین علی نام باشنده (سکیلابریا) و دوتقر نوکر او را بجرم مداخلت بیجا و هتیم و ضرب مجرم قرار داده حاضر نمودند - مجرم بانملای مسجد مقام مذکور

نباختن موجود بطیخ آمده نوکرهای خود را بید خودت هزاره برداشته جزاً داخل مسجد و ملای بچاره را با چوب این قدر زدند که بحال شد - حاکم پلیس بر هر یک از مجرمین را حکم دو ماه قید و بیست روپیه جریمه داد -

§ دختر کی سه ساله نزدیک برکه آن بازی میکرد اتفاقاً بازجه اش در آب افتاده خواست بیرون آرد پایش لغزیده در آب افتاد - قبل از آنکه کسی بتواند او را مدد کند غرق شد و نعش تا بحال دستیاب نشده است

عملجات پلیس شخصی (آموئس کپوس) نام از خاندان شریف باشنده (هوانیبور) را بجرم فریب و دزدی در عدالت پلیس حاضر نمودند - مجرم بجهت آموختن احکام شریعت عیسویه با (رورنت - ای - بی - یك) و (رورنت جی - اس - اسپت) و (رورنت - جی - سی - دت) دعاء متعلق به مدرسه و کلیسای (لندن مشنری کالج) واقع در (هوانیبور) رابطه و دوستی هم رسانیده چون فرصت یافته بعضی از البسه و اشیاء دیگر ایشان را برده است مرافعه در عدالت پیش است -

§ لغاتیکه علامت طوفان است در خدر و موقت های خط (هوکل) بحکم شاه بندر کلکتہ بر افراشته بودند

§ نوابه عابه عالیہ طاج الهند بیگم مرشد آباد در روز جشن تاجگذاری اعلیحضرت (اهوردهم) از روی مسرت خاطرده هزار نفر مساکین را اطعام نموده مسرور ساخت هر کلکتہ احدی بدن قسم ذل ای - ان بقرا و خیرات و مبرات نه نمود

§ جناب مولوی سراج الاسلام خان بهادر از اعضای شورای حکومت بنکال مقرر شد

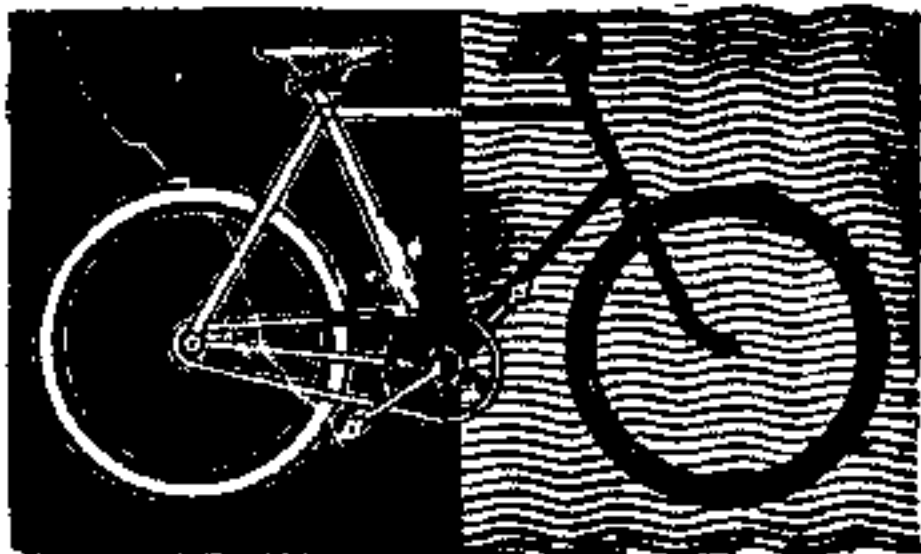
§ مهاراجه بهادر (درپنکه) از بنارس معلومت نموده هشتم شهر جاری وارد کلکتہ گردید

§ ضمیمه که چند روز قبل در محله (پیساری توله) مقابل باغ (ولکنن اسکوار) بزر عرابه کالسکه (ترموه) اسی رفته هلاک شد - خادمه خانه (مستر ج) رئیس اداره آبیساری بود - روز سه شنبه شام طفل شیرخواره صاحب خود را در کنار کرته بتفرج باغ مقابل خانه میرفت چون خواست از مقابل کالسکه

اعلان

دوچرخه های اعلی معروف به (انفیلد) قیمتهای مختلفه

جهت بزرگها و همچنین اطفال - با ضمانت در استحکام دوچرخه های و عیب نکردن آنها با جمیع اسباب و ملزومات دوچرخه یکجا فروخته خواهد شد

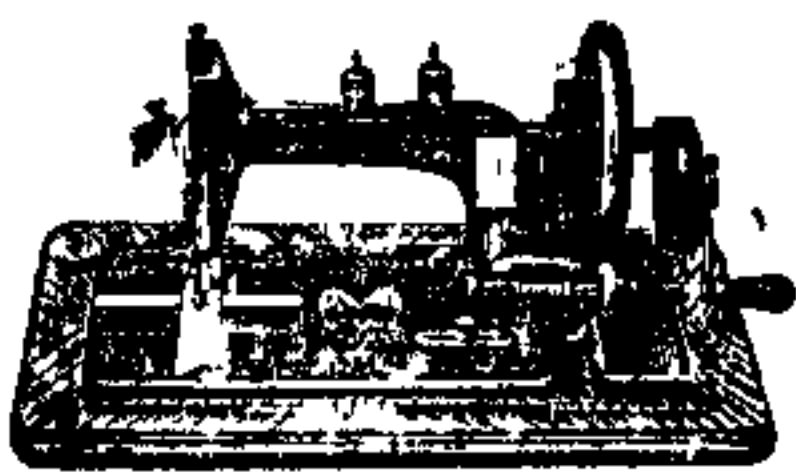


خریداران محترم و طالبان دوچرخه و صورت دوچرخه هارا با تفصیل بمنی کتابچه مصور مجانی میتوانند بخواهند در صورتیکه مجبور بخردن هم نیستند

آدرس در شهر مسکو شرکت (انفیلد)

The Enfield Co. Ltd. Moscow, Russia.
No. 77377.

یوبی نی



کارخانه ایست که جرخ خیاطی و بازاری را با ضمانت می فروشد بسیار محکم و بی صدای شد و سبک کار و بی مانند

اول کارخانه جرخ خیاطی است در روسیه شرکت (یابو و کپانی)

آدرس - در کوچه (از نامنکا) خانه خودش نمره برای خواهانش فرستاده می شود

(تراموه) آسی عبور کند بکالسی آواز داد که کلسکه را نگهدار چون کالسه بشدت در حرکت بود کالسی نتوانست جلو گیرد ضعیفه همین قدر هوشیاری نمود که طفل را از کنار خود بیکطرف انداخت که کالسه رسیده اورا از پای در آورده از بالای گذشته همان آن هلاکت ساخت - طفل را چون از کنار خود بیکطرف انداخته بود چندان صدمه نیافت - مفتحن اداره پلیس کتبه مشغول به تفتیش حلال اند

NOTICE

All advertisements from Europe or with origin from Europe will exclusively be accepted by the.

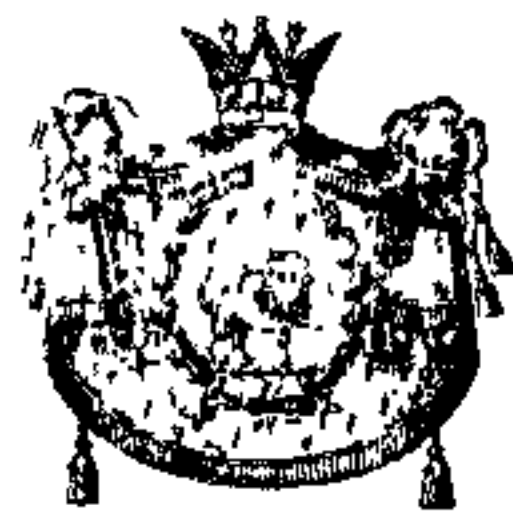
Advertising Agency

L. & E. Metzl & Co.

Moscow & St. Petersburg.

By its branch establishments and foreign agents. All inquiries from Europe concerning advertising "Hablul Matin" are to be "directed to the abovementioned Advertising Agency."

اسباب ورشو



کارخانه اسباب ورشو و مفوض سازی در شهر (ورشو) متعلق به (یوسف فراژ) کارخانچی دربار هابونی اعلیحضرت شاهنشاه ایران

یکی از مغازه ها در شهر مسکو در کوچه (کوزنسی مست) در خانه (زاخارین) در هنگام بازار بکار به در شهر (بیزنا) در ویتف (بلا و نیا)

تلیان - او - نمره ۱۸

ساما توزا



وضوح بوده باشد که تجربیات و تفریحات اطباء حاذق ثابت کرده است که جهت رفع علت کم خونی بدن و سستی و امراض عصبانی که موجب تولید ضعف بنیه می‌شوند بهترین چیزها استعمال کرد (ساما توزا) میباشد

چنین کرد محرك اختتامی نام و فرسی و صحت او همچنین بر مایه کردن و خلقت شیر و ازدیاد آن جهت مادران و دایکان که یخوبی شیر آنان هرط است میباشد

این کرد موسوم به (ساما توزا) در جمیع دواخانها و دکانین ادویه

فروشی بمصرف فروش میرسد

شرح خواص این کرد مذکور و عقیده اطباء در حق این درمان - در وقت مخصوص چاپ شده و برای آنایکه مایل بکسب اطلاع از خواص آن بوده باشند عماداً فرستاده میشود از خانه تجارتی مذبوره آدرس - (فریدریک ابر و کمپانی) در شهر مسکو - در محل (استارا یا پلشچاد) خانه (آرماند)

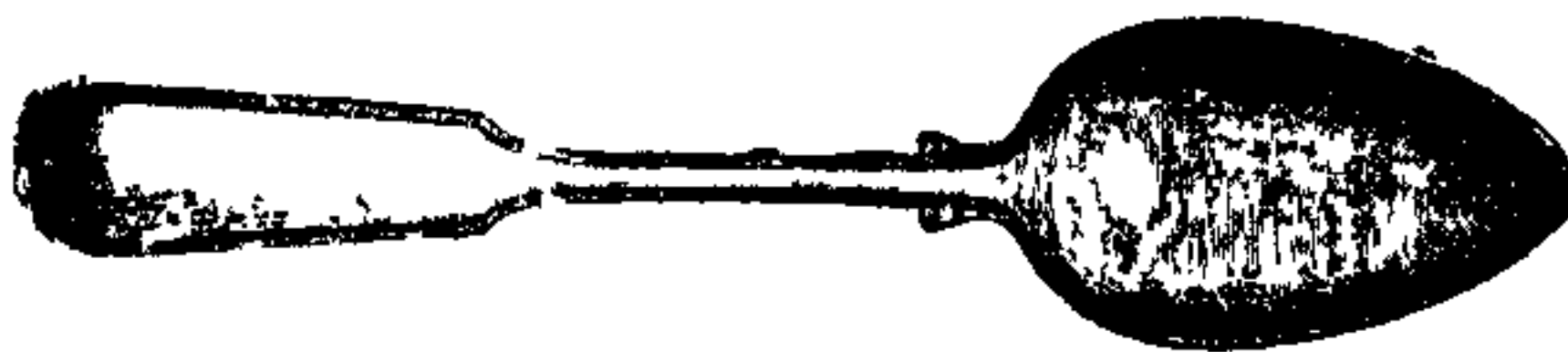
No. 92056

کارخانه اشیاء و رشوی و مفوض موسوم (برندر فسکی)

مال (آرتور کروپ)

مغازین در شهر مسکو در سکوچه (کورلسکی موسی)

در یر منکه مکاربه (در شهر نیزنا) در (کلاونی ریاد) نمبر ۲۳ و نمبر ۲۴



کارخانه (آرتور رسکووپ)

معرفی میکند ظروف و اشیاء خود را

که از فاز سفید اصل موسوم به (الپا) ساخته شده و طبعاً سفید است جهت هتلیها و مهمانها و اشخاصی که استعمال کنندگان این قسم ظروف میباشد - و هکذا قسیمیکه روکش مستحکم از نقره اصل دارد و خواه از خود فلز سفید اصل باشد و جهت ایران مخصوصاً ساخته شده از قیل (سماورها) و (سینیها) و (جائیدانها) و (قنددانها) و (تنسکها) و (آتابه لکن) و (غلیانها) و غیره و انواع ظروف جهت آشپزخانه فلز نیکل اصل

وکیل این کارخانه جهت طهران (ویلم بلومان) در طهران میباشد

کتابچه مصور بتصور اشیاء مذکوره عماداً برای طالبان فرستاده میشود

No. 96132

قیمت پنبه دو بیست و پنجم آگوست ۱۳۰۰
 در نرخ پنبه در بازار (لوربول) تا یکدرجه کساد و پنبه زیادی
 وارد نشود. فروش پنبه در بازار (لوربول) (۶۰۰۰) بست
 بی معادله و محل بخارج شده - (۵۰۰) بست
 بی امروز وارد شده - (۲۰۰۰) بست
 بی قیمت پنبه متوسط (امریکا) در (لوربول) - رطلی
 چهار پنس و بیست و هفت از سی و دو
 قیمت آینده پنبه که همین و معادله شده است
 در ماه آگوست - و سپتمبر - رطلی چهار پنس و سی
 و هفت از شصت و چهار
 در ماه سپتمبر - و اکتوبر - رطلی چهار پنس و بیست
 و هشت از شصت و چهار
 در ماه اکتوبر - و نومبر - رطلی چهار پنس و بیست
 از شصت و چهار
 در ماه نومبر - و دسامبر - رطلی چهار پنس و نوزده
 از شصت و چهار
 در ماه دسامبر - و جنوری - رطلی چهار پنس و هفده
 از شصت و چهار
 در ماه جنوری - و فروری - رطلی چهار پنس و هفده
 از شصت و چهار
 در ماه فروری - و مارچ - رطلی چهار پنس و هفده
 از شصت و چهار
 در ماه مارچ - و اپریل - رطلی چهار پنس و هفده
 از شصت و چهار
 در ماه اپریل - و می - رطلی چهار پنس و هفده از شصت
 و چهار
 بی پنبه در بازار (نیویارک) -
 بی امروز وارد شده - (۴۰۶۰) بست
 بی محل بخارج شده - (۵۰۰۰) بست
 بی ذخیره است در بادر امریکا - [۱۵۰۰۰۰] بست
 بی ذخیره در بلاد اندروسی - [۵۰۰۰۰] بست
 بازار منجستر بدرجه کساد است

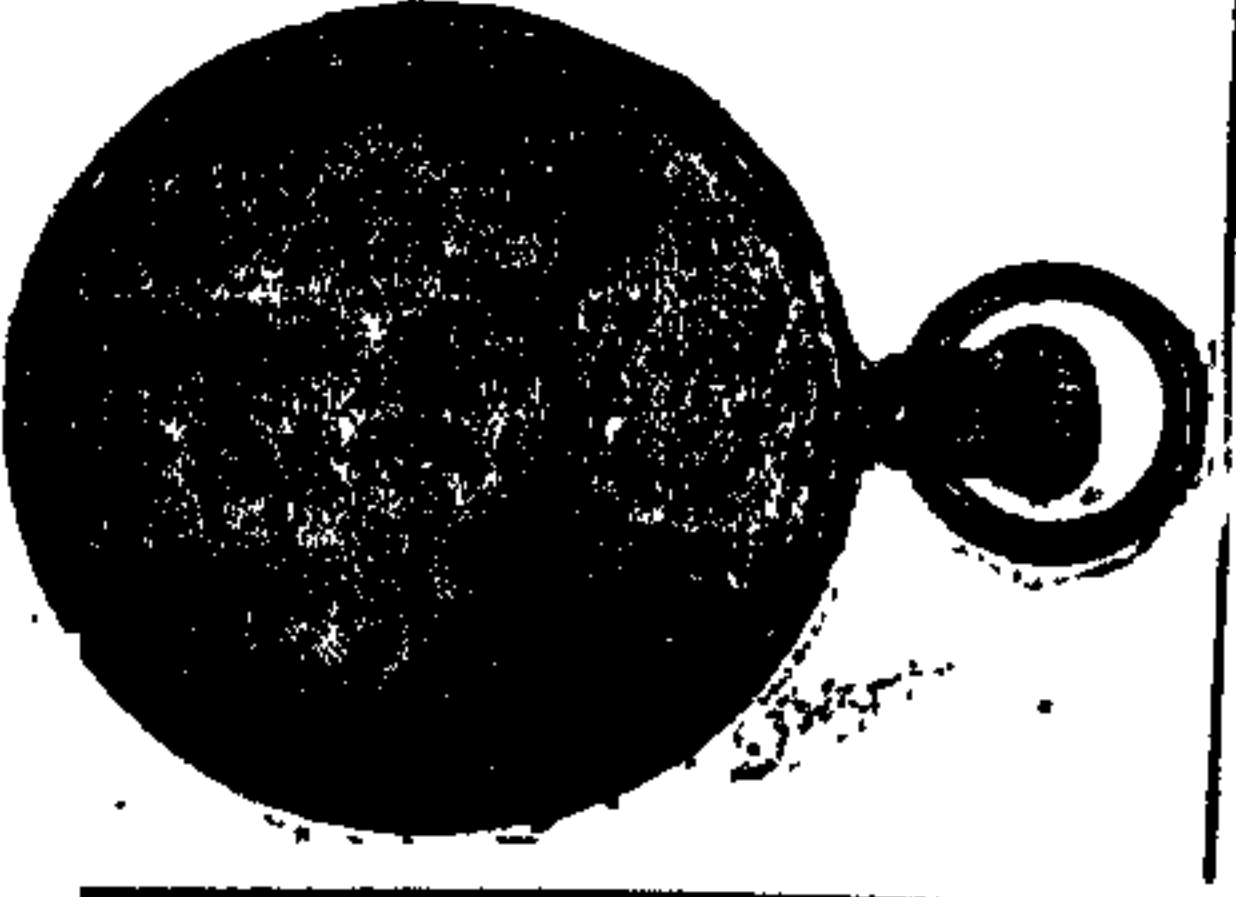
شرح اجرت طبع کتب و غیره
 اعضای مطبع بشرايط ذیل برای طبع هرگونه
 کتب عربی - فارسی - اردو - و غیره حاضرند
 (اول) - اجرتیکه ذیلاً در نرخ نامه مطبع شده
 فقط برای نوشتن و یا حروف چیدن و طبع کردن
 کتاب است - قیمت کاغذ و اجرت صحافی و جلدبندی
 و غیره بذمه مالک کتاب میباشد - ولی اجزای مطبع
 حاضر اند که بهر قسم دستور العمل داده شود تکمیل نمایند
 (دوم) مطبع ذمه دار همت مطبوعات خود مطابق
 نسخه اصلی است
 (سوم) - میزان يك جزو را چهار صفحه
 یا دو ورق جبل المتین قرار داده ایم - ام بر اینست
 همان قطع را چهار صفحه یا هشت صفحه و یا شانزده
 صفحه قرار دهند يك جزو محسوب خواهد شد -

را اگر آنگه بی تا نیم (اچ) - راجع کره قطع کاغذ کم
 یا پیش باشد همین اجرت محسوب خواهد بود
 (چهارم) حروف درخت و متوسط پوریزه از
 ملاحظه لوحه اخبار جبل المتین ظاهر میتواند شد
 (پنجم) - خط مطبوعات سنگی مطبع امم از
 نسخ - مستطابق - شکسته - مطابق خطوط متوسطه
 مطبوعات پیشی و سایر بلاد هند خواهد بود
 (ششم) - برای مدت طبع بعد از تصفیه تمام
 امور فی جزوی ده روز مقرر است
 (هفتم) نصف اجرت طبع پیش گرفته میشود
 و نصف دیگر پس از اتمام نصف (منیجر مطبع)
 • نرخ نامه •

| نوع جزو | حروف پوریزه | حروف متوسطه | فردرخت اخطی من سنگی |
|-----------|-------------|-------------|-------------------------|
| هزار گانه | درویه | نه رویه | هشت رویه هفت و نیم رویه |
| بالصدسته | هشت رویه | هفت رویه | پنج و نیم رویه |

اعلان

ساعت تازه (پنت) در امریکا ایجاد شده که نقشه
 آن ذیلاً موجود است - قاب آن و از و شیشه است در
 دبدل وقت دقت روی میدهد - در خوبی این ساعت همین پس
 که در مرض سال خراب و بند نمی شود - ولو اینکه در شکار
 یا بازی همراه باشد - و اگر از دست هم بیوفتد آلات او خراب
 نخواهد شد - این ساعت و ایکی از صنایع مشهور امریکا ساخته
 که در ساعت سازی انعامات و نشانها در نمایشگاه های چند از دول
 خارجه یافته - کلید ساعت مزبور هم دسته اوست که در کلید دادن
 ساعت نیز دقت باز کردن قاب نشود پس و پیش نمودن عقربک
 هم از همان دسته است - این ساعت مثل قره از دور جنبه
 می دهد و رنگ آن هم زایل نمی شود - کز خراب شود باسانی
 تمام تعمیرش ممکن است - در نشان دادن وقت لاتی و مقابله
 با ساعت های مکب و غیره می نماید - قیمت مردانه این
 ساعت پنج رویه بدون اجرت پست است - و ضمانت هم برای
 یکسال داده میشود که اگر ساعت را نشکند و هیچ خارجی
 پیدا نه نماید مرمتش بذمه فروشنده خواهد بود - هرکس
 خواستگار باشد بذریعه منیجر اداره جبل المتین میتواند طلب نمود
 [منیجر اداره جبل المتین] محمد جواد شهبازی



اداره جبل المتین

(مدکل کالج استریت نمبر ۴)

کلیه امور اداره

(بامدیوکل مؤید الاسلام است)

میجر اداره

(آقا محمد جواد شیرازی است)

هر دو شنبه طبع

(و سه شنبه توزیع میشود)

بتاریخ دوشنبه

(۲۷ جمادی الاول ۱۳۷۰ هجری)

مصادف با

(۱۹۰۷ میلادی)

روزنامه مقدس

(سنة ۱۳۱۱)

قبل از دریافت و دل قیر عمو
از خریداران باید قیمت آن را
علم نماید



ذمه دار صحت و سقم اطلاعات در اخبار داده
میشود همان کسانی میباشد که اعلان داده اند

اعزای اداره ذمه دار صحت و سقم عنوانی هستند
که از طرف خود مینگارند نه عنوانی و قایم نگاران
و صاحبان مکاتب و منقولات یا ترجمه از سایر جراید

قیمت اشتراك

(سالانه -- شش ماهه)

هند - و برمه

(۱۲ روپیه -- ۷ روپیه)

ایران - افغانستان

(۴۰ تران -- ۲۵ تران)

عثماني - و مصر

(۵ مجیدی -- ۳ مجیدی)

اروپا - و چین

(۲۵ فرنک -- ۱۵ فرنک)

روسیه و ترکستان

(۱۰ منات -- ۶ منات)

ز درین جریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملتی بحث میشود
(مراسلات تام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست)

و معاهده و تهاهای آتش بازی قصر (کرستل -

بلور) را نمودند -

اعضای دار الفورای ملی (کیب) در آفریقای

جنوبی باردوم لایحه پارلمان و خساره مالیه را قرائت

نمودند - (سرکاردن اسپریکس) بیان کرد که او یقین

دارد که قانونه کاری پیر یتم به موقوف خواهد شد

مخبر (طمس) از (انامه) مینکارد که (کوت

کاموره) و نیز خارجه (ژاپون) در باره قانون منع

دخول اجانب از (ریش کلیه) بسخت زمانی

(دوقست - اعتراض) نمود. سن و سن نیست

که اعتراضات او قبول خواهد شد -

اصروز (ام - دلکاسی) وزیر خارجه فرانسه

(سرولفرد لاری) وزیر مسمرات (کنیدا) را

پذیرائی نموده تاسی و پنج دقیقه مشوره داشتند

قشون مسمرار (استریت سلنت) بر جهاز

(جلوا) نام روانه وطن مألوف خود گردیدند

(۲۴ - اگست)

مباراجه (جیپور) مع همراهانش از بندر (مارسل

فرانس) بر جهاز (آلیا) روانه هندوستان گردیدند

درولایت (هوان - چین) دوقر دطه مسیعی

موسوم پ (بروس) و (لوتی) را اینقدر زده

فهرست مندرجات

تذکرات • اخبارات خارجه • ناسف • روس

و افغانستان • تشکیل کپانی در ترویج انتمه بومی

خوف زلزله • حقات • بدنام کننده نکرنامی چند

سیل • کشمیر • فرانس • مقاله یکی از فضالی نامدار

• دخل حکومت پنجاب • تجارت هند • مریض خانه

های بنگال • زنده بگور نمودن • مکتوب وطن پرست

ایرانی از دارسل • داستان روسیا • مکاتب کی ار

موتین • مکتوب منور • جواب مکتوب فوق الذکر

• تاریخ مسلمانان جمع الجرایر میلی • اداره شرکت

املا میان در بادتو • مطا به حاجی میرا عبدالجود

و ایلامه • مکتوب از رشه اخبارات داخله

• منبر از روزنامه اطلاع • شقایق رومایسه • بالیمو

کلکته • اسباب و اشو • اعلان پور نی نیا • قیمت

زبه در اول سنمبر • هرح اجرت طبع مکتب

اعلان • ساما توز

تذکرات

(۲۳ - اگست)

اعلیحضرت شمشاه ایران تاج و دستگی بومی

قبر علیا حضرت ملکه متوفاة (وکتوریا) در

(فراک مور) نهادند. و تها و سیرقلعه (ویندسر)

هلاک شدند. این واقعه باعث تشویش گشته چه بواسطه
بد ولایت مذکور بدیر خبر از آنجا میرسد -

§ مقاله در روزنامه (یوریمیا) روس نوشته سؤال
میکند که آیا هنوز وقت آن نرسیده که دولت روس
با امارت افغانستان معاهده تجارتی بنماید و سفیری در
کابل بگذارد - روزنامه مذکور درین موقع امورات
مذکوره را واجب و لازم تصور میکند

§ به (ابردین) در حضور مشاهیر و معارف جنرال
(سرچارچ وایت) مدرسه بیادکار لشکریانی که از دست
قتون (ماکاردن هایتندر) در جنگ جدید بوژ در
افریقای جنوبی شکسته شده اند باز نمود - جنرال
(سرچارچ وایت) و جنرال (سرآین هملتن) توصیف
شجاعت و خدمت های نمایان که از ایشان سرزده بود
نمودند - جنرال (سرچارچ وایت) بکصد لیرا بروض
شمشیر اعزازی حواله به خزانه می مدرسه داد و
شمشیر را قبول نکرد

§ (ستر روزولت) رئیس دولت آفریقای در لغاتیکه
در شهر (براویدلس) در (نیوانگلند) داده اظهار داشته
است که درباره قانون موقوفات غور خواهد شد -
و خود اقرار کرد که موقوفات بمسببت حالات موجوده
زمان است ولی بخت نمود که لازمست موقوفات در
قبضه و انتظام ملت و دولت باشد که از قلب محفوظ
ماند

(۲۵ - آگست)

§ اعلیحضرت (ادورد هفتم) و علیا حضرت ملکه
اسپ وارد (داکس) شدند -

§ (سرولفره لاری) وزیر مستعمرات (کئیدا)
در ملاقاتی که با مخبر (روتر) در پاریس نمود اظهار
داشت که او باور ندارد که القای (امپریل کالونیال
ذالودین) ممکن بشود - منقأ آمدن خود را در پاریس
ترتیب تجارت بین مستعمرات (کئیدا) و دولت فرانسه
بیار کرده است -

§ (ستر - پی او - ناکس) وکیل قانونی دولت
جمهوری امریکا درباره حاصل نمودن امتیازات و املاک
(بنیماکنان) در پاریس رفته است -

§ امروز اعلیحضرت (ادورد هفتم) و علیا حضرت
ملکه وارد بندر (زله) در جزیره (من) گردیدند

دسته قهون بخری از لنگرگاه کالسکه شاهی را بیرون
آورده اسپ بست اعلیحضرت در معیت علیا حضرت
شاهای جاهای مخصوصیکه قابل بود نمودند - اهالی
جزیره بفوق و شرف و کرم جوشی تمام اعلیحضرت
را استقبال کردند - این مرتبه اول است که پادشاهی
در جزیره مذکوره پیاده شده است

§ (مسفر چپرلین) وزیر مستعمرات دولت انگلیس
در جواب سؤال مکتوبی اظهار داشته که ممکن نیست
او بتواند بیان نماید که چه وقت قاعده تذکره
راهداری در آفریقای جنوبی موقوف خواهد شد
§ اعلیحضرت شاهنشاه ایران روانه پاریس گردیدند -
انتظام روانگی اعلیحضرت شاهنشاهی را بطور شایسته
ایده بودند - اعلیحضرت شاهنشاهی از سیاحت
انگلستان و پذیرائی ملت و دولت انگلیس خیلی مسرور
بودند

§ معلوم میشود که جنرالهای بوژ با (داکتر لیدز
در باره ترک نمودن او در مقام مقامی امارتین
جمهوری (ترانسوال) و (آرج) بحث نموده اند -
اگر او قبول نماید محتمل است که در ملازمت دولت
(هولاند) بمهده حکومت بدهد در خود هولاند
و یا در مستعمرات دولت مهارالهما مقرر شود -
(مستر ریند) در آن صورت سرکره جماعت مخالفین
قرار خواهد یافت

§ سفیر دولت (سیام) با (ام دلکاسی) وزیر
خارجة دولت فرانس ملاقات نموده که قبل از آنکه
عقود معاهده تعیین شود مسائلی که در پیش است
بحث نمایند

(۲۶ - آگست)

§ دو نفر از لشکریان دسته چهارم قهون
(مدلسکس) که نشانهای اعزازی جشن تاجگذاری دو
نفر لشکریان قهون هندی را دزدیده بودند دیروز در
(آدرشات) علاوه از آنها باز گرفتند سپس لباس نظامی
ار ایشان میکنند از ملازمت نیز مطابق قانون
اخراج نمودند - حکم شش ماه حبس با سخت هم
در حقتشان جاری شد و یکی از شرکایشان که از طرف
دولت شهادت داده بود حکم به حبس (۱۶۸) ساعتش

دادند. اعلیحضرت (ادورد هفتم) توجه زیاد در این ماه نمود و سردار بزرگ (الدرشات) تلگرافی در این ماه زده اند که دزدی مذکور بسیار معيوب و ظالمانه بوده است. اعلیحضرت پادشاه ایتالی روانه (بران) پایتخت آلمان گردیده و روزنامه دولتی با الفاظ شایسته مطلقاً در مقاله خود اعلیحضرت را پذیرائی نموده و سفارش استحکام اتحاد ثلاثه را کرده است.

§ لطف (مستر روز بولت) رئیس دولت آازونی درباره موقوفات اغتشاش در امریکا پیدا نموده - به يك زمان او را تپاه كنده فرقه خود قرار میدهند و بزبان دیگر او را یه هوای عوام پسند قبول میدیابند - § امروز (سر - دلبو - لاری) وزیر خارجه و وزیرای مالیه و كرك مستعمرات (كلیدا) و سفیر دولت انگلیس یا (مسیولوبه) رئیس جمهوری فرانس مشاوره و صرف نهار نمودند - (ام دلکاسی) وزیر خارجه دولت فرانس نیز درین مجلس شرکت داغت -

جنرال (مایلس) سپهسالار و ساگردولت آازونی روانه جزایر (فلیپان) شده که ملاحظه سان و مشق و اسامه قشون را در آنجا نماید -

§ رسماً اشاعت یافته که دولت انگلیس مصمم است مصارف میهمانی و پذیرائی میهمانان و امرای هندوستان را از خزانه عامه انگلستان بدهد - روز پنجشنبه از پس ازین عنوان خوش و ساکت اند

§ اعلیحضرت شاهنشاه ایران از بنار (کلی) فرانس تکراف مشفقانه با اعلیحضرت (ادورد هفتم) نموده شکریه پذیرائی و میهمانی که در خاک انگلستان از ایشان شده نموده اند - و دیگر اینکه سیاحت خودشان اظهار فرح و انبساط نموده فرموده اند که مسرت من فراموش شدنی نیست از اهالی انگلستان

§ (لارد کچتر) انتظام روانی خوهر را برجهاز (بجیت) که در هفتم ماه نومبر آینده از انگلستان لنکر بر میدارد نموده ولی ممکن است لارد محدود پس از آنکه از خرطوم برکشته در اسماعیلیه برجهاز مذکور سوار بشود -

§ دولت روس برکرك چان که در مملکت اروپائی او از مشرق و بلاد دور دست آسیا وارد میشود چه روپن افزوده است -

§ قشون هندوستان که از انگلند برجهاز (ماردنچ) روانه هندوستان شده اینک در جزیره (مالتا) وارد و لنکر انداخته - حکام جزیره لشکریان را بهرگونه اعزاز مغرر داشته و حاکم جزیره ملاحظه سان قشون و میهمانی شایسته از آنها نموده (۲۷ - اکت)

§ دیشب (ام - دلکاسی) وزیر خارجه فرانس نظر باحترام (سر - دلبو - لاری) وزیرای دیگر مستعمرات (کلیدا) در وزارت خارجه میهمانی باشکوه نمود

§ کوه (پلی) در جزیره (مارتیک) باز بنمای آتش فشانی را آذوده است -

§ (مستر روزولت) رئیس جمهوری دولت آازونی در لطفی در (آکتامین) بکرمجوشی اقبال تعلیم برآورد نموده اظهار داشته است که دولت امریکا مستعد است که مجبور نباید عمل نمودن بران را چه بعد ازین اراضی امریکا ممکن نیست که مستعمرات دول اروپا واقع گردد

§ اعلیحضرت (امانیول) پادشاه ایتالی وارد (پانس دم) کشته اعلیحضرت امپراطور آلمان و شاهزاده ولیعهد دولت مشارالها و ساقر شاهزادگان دیگر و فرزندان اعلیحضرت امپراطور و کومت (وان بیولو) و کومت (والدرسی) از ایشان پذیرائی نمودند - این دو پادشاه معظم مکرر بمحبت تمام با یکدیگر مفاقه نموده و پس از آن بر کالسکه سوار شده روانه قصر گردیدند -

(۲۸ - اکت)

§ روز نامه (دیل کرانکل) در باره مسئله تعلیم هندوستان مینکارد که فقط (باو) مقصر نیست اگر نا قابل و اراض است زیاده الزام بر اصول تربیت باید میشود - بدین سبب جانبداری طریقه انتظام تعلیم مثل آنکه در (علیکره) میدهد میباید چرا که بدین نوع طریقه تعلیم مدرس اعلی و ملاحظان او میتوانند طلبه را باصولی که خود تربیت یافته اند تربیت نمایند

§ اعلیحضرت شاهنشاه ایران با (مسیولوبه) رئیس جمهوری فرانس در (رام بولت) صرف نهار نمود پس از آن بیاریس مراجعت نمودند -

§ درباره محصول چان در خاک اروپای روس بجرعه

§ اعلیحضرت (امانیول) پادشاه ایتالی و اعلیحضرت (ویلهلم) امپراطور آلمان علی الصبح وارد (برلن) گردیده (براندن برگ کیت) تشریف بردند. رجال بومی پذیرائی شایان کرده هر دو پادشاه وزرای دولت خود را بیادگار تجدید اتحاد تلافی بطلای نشانیها مفتخر گردانیدند (۲۹ - اکت)

§ (مسبولوبه) رئیس دولت جمهوری فرانس در (موتل) مهمانخانه (لاتر) با اعلیحضرت شاهنشاه ایران صرف نهار نمودند

§ (کونت و انت بیولو) با (سینر پریقی) زمان درازی مشاوره نموده - اعلیحضرت پادشاه ایتالی پس از آن با (کونت و انت بیولو) ملاقات کرده مدتی به گفتگو مشغول بودند

§ اعلیحضرت امپراتور آلمان در مهمانی و سماه جام صحت اعلی حضرت پادشاه ایتالی را نوشیده اشاره به تجدید اتحاد نکرده نمودند که به حالت اولیه برقرار و سه قوم را با یک دیگر متحدالمقصد و دوست گردانیده است

§ اعلیحضرت پادشاه ایتالیا در جواب بیان نمودند که ملت ما در زیر سایه این اتحاد قدیم که اکنون محافظ صلح شناخته شده ترقی خواهند نمود (۳۰ - اکت)

§ رسماً اشاعت یافته که (راس بقان) سفیر فوق العاده حبش بخطاب و نشان (سنت مایکل) و (سنت جارج) مفتخر گردیده

§ جنرال (یامین) سردار قشون ژاپون در چین مستشار سفارت (بیکن) مقرر شده - اهالی (بیکن) را عقیده بر این است که انتظام قشون چین راجح باو خواهد شد

§ وزرای دولت چین بر مقوله نامه کرک دیروز دستخط نموده و از سی و یکم اکتوبر تقاضا خواهد یافت § حکم منظور نمودن دولت انگلیس درباره معاهده تجارتی دولت چین به شنکهای رسیده و امروز بر معاهده دستخط خواهد شد

§ در دارالغورای ملی (کیپ) لایحه خساره عمومی بار دوم قرائت شده - وکیل دولت در بین بحث اظهار داشت که این غلط است که تصور شود که در برده کیسیون قانون عسکری نکته چینی بر افسران لشکری توانند نمود

شده که از جایی که از ممالک دور دست آسیا در خاک اروپای روس وارد شود سه روبل فی رطلی کرک کبرند -

§ قرار و مداری در معاملات تجارتی بسی و اهتمام دولت روس بین دولتین ایران و عثمانی شده که کرک جائین را محدود و معین نمایند - این بز ناشی از معاهده تجارتی روس و ایران است -

§ روز نامجات روسیه درباره فسخ معاهده سنه (۱۸۷۲) دولتین انگلیس و روس در ماده انفالستان - بحث می نمایند

§ روز نامه (نوبوریما) در مقاله خود می نگارد که دولت روس دو سال قبل به دولت انگلیس اظهار داشت که در عهد نامه مذکور مذاقه خواهد نمود § در جزیره (فلیپائن) در مضامقات (مورو) متواتر زلزله و شش نفر هلاک شده اند ولی از اهل امریکا کسی تلف نه گردیده است

§ از نتیجه تجربه که از جنک جدید ترالعوان حاصل شده وزیر جنک دولت ایتالیا ایام مقاطعة لشکران را دوسال مقرر نموده است

§ (کپان مهمان) در مقاله که در روز نامه (لشکر رپو) طبع نموده، بنکاره مسلماً دولت انگلیس را لازم است که نظر به حفظ حقوق تجارتی انگلستان و هندوستان و سابقه رسوخ خود در سرحد جنوبی ایران خلیج فارس را نگاهداری نماید - و تکفارد دور، اخذیه در سواحل خلیج ابداع قلعه جات و واحداث جبه خانه نمایند - اگر دولت انگلیس درین امر باند که ولو امر شجر محک خود می افکند حقوق خود را به نماید خوف آن نیست که دول دیگر بتوانند او را شکست داد - در مقاله مذکور کپتان موصوف بیان می نماید که دولت انگلیس را لازم است که درین ماده غور نموده انتظام حادثات آینده را به نماید و قبل از وقت شایسته است که سد ابواب پیش رفت اجانب را نماید و باید جهازات جنگی خود را در خلیج فارس زیاد نماید و تجارت هند را در آن سرزمین ترقی دهد و امتیازات خاصه را در آن سواحل تحصیل نماید و با امارات و حکومت اطراف خلیج معاهده تجارتی و دوستی به بند ناماقبت ملجربه پهمانی نشود

الخبارات خارجه

§ دو برادران (فیرن) ساکلین (همرس میتی) با يك كهيش و يك نفر ناظر کارخانجات و دو نفر دلیل هر (وژن برن) بر کوهستان (الپ) در (سویت دژلند) از خوردن برق هلاک شده اند - روی هر قه بیست و هشت نفر از افتادن برق که من جمله آنها چهار نفر انگلیس بوده بر کوه (الپ) تلف شده اند § قبل از روانگی از لندن مهاراجه (سندھیا) يك هزار لیرا بانجمن اطایه شرق هندوستان اعطا نمود § قشون سواری (استرلیا) بر جهاز (هارونج) روانه وطن مألوف خود گردیده در (جبرالتر) ماعتی پیاده و تماشای شهر را نمودند

§ در (حلب) دو دختر که یکی کفیش زاده و دیگر ارمق زاده است بشرف اسلام مشرف شده یکی را طایفه و دیگری را جیه نام نهاده اند

§ برای توسیع ادارات و عسارت (اند وچاینا) حکومت فرانس صد و بیست میلیون قرض خواست که ازین مبلغ سی میلیون را نیز صرف تعمیر راه آهن آنجا به نماید

§ در یکی از ایستگاههای راه آهن (لندن) قطار کالک از خط بیرون رفته ه نفر را هلاک و هشت نفر را مجروح ساخته است

§ ممالک شرقی جانی که در بلاد اروپائی روس داخل شود اراده دارند کرکس را زیاد نمایند - کویا بر يك وطن جانی سه منات کرک قرار دهند

§ اعلیحضرت شاهنشاه ایران به اعلیحضرت پادشاه انگلستان شکریه پذیرائی ملت انگلیس را نموده در آن تعلقات دوستانه خودشان را اظهار و کمال ممنونیت را ظاهر فرموده اند

§ اخبارات انگلستان ازین عنوان که مصارف مهمانان جمن تاجگذاری از خزانه شاهی داده خوانند اظهار مسرت مینمایند

§ بجهت مصیبت زدگان جزیره (مارتینک) از مصر و نواحی آن یک هزار و هفتصد و هشتاد لیرا جمع آوری شده است

§ از سنکاپور که قصبه کوچکی است و از روی سر

فمار نفوس آن (۵۰۳۰۰) نفر میباشد و (۴۵۰۰) نفر مسلمان در آن سکونت دارد (۱۰۵۶۰) هرورش با دوسد لیرای انگریزی در اطایه راه آهن حجاز جمع شده - در این قصبه مسلمانان ۸۰ فیصدی زارع و ۱۵ فیصدی ملاک و پنج فیصدی متوسط الحال اند لیکن ذی ثروت آنها هشت نفر از این قصبه این مبلغ جمع آوری همت و جوانمردی مسلمانان سنکاپور را میرساند

§ طلابیکه امسال در مدارس مختلفه عثمانی امتحان داده سند حاصل نموده اند بمقامی مدارس منتخب خواهند شد - اعلیحضرت سلطان عثمانی مصارف راه آنها را از جیب خاص مرحمت خواهند فرمود

§ از اخبار بلغارستان ظاهر می شود که در شهر (سلیستر - و دارند) مسلمانان از ظلم و ستم سلیبیان بستوه آمده از املاک و عقار خود دست کشیده فراری نمایند - چنانچه بتاریکی (۵۰۰) نفر مسلمانان اصیاب سفر مهیا کرده که بخساک عثمانی هجرت نمایند

§ برای وسعت دائرة تجارت بین افریقا و ژاپون کیسیون مخصوصی منتخب شده به (درین) رسیده است § دولت ژاپون برای تعمیر ۲۵ جهازات جنگی کوچک و بزرگ یکصد و هشتاد میلیون رویه منظور نموده است

§ جهازی موسوم به (ست سیمیه) از انگلستان بحانب عدن در حرکت بود بین راه آتش گرفت یکدفعه سوخته است

§ (نپلونیه) در مقام (چارلستون) مدین فراوان است یکی از معادن ترکیده سیصد نفر مهاجرات را تلف کرده است

§ برخی از کیهان فرانس از آئین تازه حکومت یزاری جسته به انگلستان و (سویزلند) هجرت نموده اند

§ امریکا در شرط بالون سیصد هزار رویه العام گذاشته اند هر يك از آن بالونها که قدم جویند مستحق آن وجه خواهند بود

§ در (کیب تون) از حریقیکه واقع شده سه میلیون و هفتصد رویه نقصانی وارد آورده است

§ غلبه می شود که در قابل زلزله سختی شده فصل حالات و کیفیات تاکنون نویسنده است

§ در صوبه (عمون) اعلیٰ بر خلاف عیسویان بر آفته دو نفر از کشیشان را بتل رسانیده اند
 § از سفر کروگر حساب وجه تقدی که بوقت روانگی همراه برده بود طلب شده است

◀ تأسف ▶

§ وایس قونسل دولت علیه عثمانی حسن بیگ اقدی مقیم بمبئی عنیه کشته برجت ایزدی پیوست چندی به بیماری تب دق مبتلا بود - و بجهت ممالجه در (پونه) رفته چون علاج پذیر بعد مجدداً هودت به بمبئی نمود و یازده روز بعد وفات یافت

§ حسینی بیگ اقدی سنه (۱۸۴۴) در اسلامبول متولد شد نجباء و هفت مراحل زندگانی را طی نمود - سی و پنج سال در خدمات وزارت خارجه بود و ۱۸ سال است بمهدیه ویس قونسله بمبئی و اینک بجای قادری بیگ اقدی که قونسل جنرال بود دوسال است خدمات این عهده را از حسن کیفیت خود بخوبی انجام میداد - و تمام بزرگان و معززین احترام او را داشتند - محمد بیگ اقدی که فعلاً وایس قونسل امت امین بیگ اقدی را فایمقام خود قرار خواهد داد - جنازه او را با احترام برداشتند قونسل امریکا - قونسل فرانس - قائم مقام قونسل بلژیک - ملا عبدالعظیم وکیل کابل - و بسیاری از صاحب شهر بالغ بر ۸۰ کالسه عقب جنازه بود - در نماز جمیع کتبری شرکت داشتند و جنازه او را با نهایت شکوه برداشته بعد از ادای مراسم اسلامی بحدسپردند ویس از فرات از مراسم دفن و کفن علم های قونسلخانه را نیم کس که علامت ماتم است کشیدند حکومت بمبئی خط تعزیت که در آن تأسف از فوت حسن بیگ اقدی شده بود فرستاد در مسجد جمعه نیز نماز مغفرت خوانده شد

◀ روس و افغانستان ▶

اخبارات روس خصوصاً روزنامه (نیویوریا) مورخه ۲۴ آگست دولت متبوعه خود را متنبه مینماید که امروز وقت آن رسیده است که از تعلقات افغانستان غافل نه بمانیم و نیز مینویسد که این حق دولت روس است که برای توسعه دائره تجارت در حدود افغانستان داخل در کابل وکیل التجار مقرر نماید - اخبار مذکور حرکت را جائز و بهر صورت برای دولت روس

لازم تصور میکند -

از آن طرف امپراطور روس دولتی هم جواری را بر قیروات خود مائل میکرداند که زیاد نمودن قوه عربیه فضول و باعتبار دوستی و لحاظ یگانگی نواحی جنبی را لازم است کم نایم چنانچه گاهی هم بین دو دولت تقاریر واقع شود از در سلم و سلاح یش آیم

جنک چین خیالات دولت روس را از اتلاف نفوس بی شمار محفوظ داشت ازین رو دولت روس که دولت صالح است جنک را به نظر حقارت می بیند اگر اخبارات هر ملت را مرآت خیالات آن دولت تصور نایم - میتوان ازین کلمات خیالات دولت روس را نیز بمیزان سیاست سنجید

◀ تشکیل کمپانی در ترویج امتعه بومی ▶

غیرت مندان هند از هر سو کوشش در رواج امتعه و اجناس بومی مینمایند - از ملاحظه این امور اطمینان پیدا میشود که زمانه برسد حاصل این عنوانات در قلوب اهالی جای گزین شود - و ضروریات زندگانی خود را از ملک خودشان حاصل نمایند - در (پونه) چندی قبل سرمایه یک صد هزار روپیه کمپنی تشکیل کمپانی گردیده که در رواج امتعه هند سی نماید اینک در کلکته نیز کمپنی تازه سرمایه پانصد هزار روپیه بنام (اندرین استور لیمتد) قائم شده که در ترویج اجناس هندوستانی سی کند - چون در این کمپانی اکثر متمولین و تجربه کاران شرکت دارند امید است که بزودی ترقی نماید - و عنقریب این کمپنی رونق سالانه خود را شایع خواهد نمود - ناظر این کمپنی مستر جی - چودهری (پارسی) که در نمبر ۳ هستیک استریت کلکته میباشد حالات مفصل را از ایشان میتوان دریافت نمود در هر شهر و کاتی مخصوص باز خواهد شد - هر کس دو کال اطمینان میتواند در این کمپنی شرکت نموده فائده بر گیرد - اگر این کمپنی استقامت نماید امید است در عرصه قلیل ترقیات فوق العاده حاصل نموده تا بکدرجه رفیع بعضی از احتیاجات ملی را به تواند نمود

◀ خوف زلزله ▶

§ در مملکت ایتالی شهر است (وینس) که او را هموس بحر مینامند در آن منار بسیار بلند است که

درین ایام بخود بخود افتاده و از افتادن آن علامت زلزله معلوم میشود. و چنان تصور مینمایند در این زمان که زلزله در قالب جاها روی داده شاید در (ویس) نیز زلزله شده این شهر را توبالا بکند - نمبر این منار در سنه (۱۰۰) و بعد از دوسد و بیست و یک سال در سنه ۱۱۲۱ تکمیل یافت بلندی آن بقول بعضی سیصد و ۲۵ و بقول دیگر سیصد و پنجاه فیت است - شکل او مربع - کردا کرد وی ۵۴ فیت مربع است - بالای کنکره وی قانونی آویزان و صورت فرشته نصب - بنیانش در زیر زمین از سطح آب است و قبل از بنیاد وی در اطراف آن چوب‌های آبنوس زده بودند - دولت ایتالی در تعمیر وی که از آثار قدیمه است اقدام نموده مبلغ هنگفتی منظور نموده است

حماقت

§ برج‌سالت هندیان اهالی انگلستان می‌پندیدند ولی در میان جهال انگلستان نیز جهالت بدرجه کمال است - شخص انگلیس صاحب‌علمی که در مطبی کار میکرد برای اینکه او را مجبور نموده بودند که خود را آبله کوبی نماید و او آبله‌کوبی را بحال خود مفید تصور نمی‌نموده و خوف بر او مستولی شده بود در قتل خویش مبادرت کرد در حقیقت اگر بدقت ملاحظه شود این‌گونه جهالت‌ها در میان هندیان کمتر مشاهده شده است

بدنام کننده نکرنامی چند

در (فریدپور) یکی از عوام زن نازنین بسیار خوب صورتی را نزد قاضی برده نکاح نماید قاضی فریفته آن زن شده در عوض نکاح طلاق گفته به نکاح خود در آورده یعنی آن مرد را راضی نمود که یکصد روپیه از او گرفته دست ازین زن بکشد مرد هم راضی شده بعد از اینکه زن را داخل خانه خود برد مقدمه روپیه باو داده از زر و زن مأیوش ساخت ناچار بدالت در زیر دفعه (۴۵۶) و (۹۰) شکایت برده قاضی در عدالت طلب شد نتیجه تاکنون ظاهر نگردیده است

سیل

§ در ترمهوت سیل شدیدی آمده واقعات و حفاقتانش

افسوسناک است - یکی از روزنامه نگاران ۲۳ ماه خال از در پهنکه می‌نویسد عن الصبح سیلاب شروع شد این سیلاب از جانب مغرب آمده تمام زراعت اطراف را برد - سیلابی دیگر از رودخانه (رهنجی) و (بجی) دو رسیده تمام سامان و اسباب خانه‌ها را برد و اکثر مکانات را نیز خراب کرد و به عمارت ناظر امارت که لب رودخانه (دهنجیا) بود نقصان رسانید داخل خانه آب باندلازه سه فیت حزام شده در صحن خانه شش فیت (دوزخ) آب ایستاده - و یک نفر نیز ضریق شده است

کشمیر

§ امارت کشمیر مستوجب بس تمجید است که در سرینگر فارخانه برای تربیت کرم پیه ابریشم چند سال است احداث نموده و در نکرانی شخص انگریزی دائر است - کرم‌ها و تخم‌های پیه را از (ایتالی) طلب کرده بزار همین داده لرپو. برودش را بآنها آموخته‌اند حتی آنکه بچه‌های خورد مار نیز طریقه پرورش کرم پیه را یاد گرفته‌اند - درخت شستون که خوراک این جانوران است خیلی میباشد ازین رو دقتی در پرورش کرم پیه روی نداده و نتیجه خوبی ازین امر حاصل نموده‌اند اینک سالی مبالغی ابریشم خام در کارخانه میرسد و از آنجا صاف و مهیا شده در بلاد اروپا میرود ازین راه زار همین کم بضاعت که گاهی صد روپیه یک مفت نزد خود ندیده بودند ازین راه صاحب ثروت شده با نهایت خوش حالی گذران مینمایند مبالغی سکه سرمایه در این کارگذارده بودند وصول گردیده و امسال بهمان مقدار سرمایه اولیه باز موجود داشته‌اند هم امارت منفعت برده و هم رعیت

فرانس

§ بسبب اجرای قانون جدید که بر مدارس مذهبی فرانسه گذارده شده خوب شورش و هنگامه در فرانس میرود دهقانان خیلی ازین امر آهسته‌اند - روزی نیست که بذریعه مخبر (روتر) تلگراف ناراضی خود را ظاهر نه نمایند و بسیاری هم از که افسران مدارس بظاهر مدارس را بند کرده و در پرده کار روانی مینمایند چنانچه بعضی که علانیه شده سزا یافته‌اند این امر از تجویزات (ایم - ویلک روشو)

صدر اعظم سابق است ولی موقع نیافت و نتوانست تکمیل نماید (ام کومبی) فیصله این امر را به بهترین وجهی کرد اگرچه انقلاب سلطنت دشوار به نظر می‌رسد ولی انقلاب وزارت مظنون است چه بواسطه این امر در فرانس آشوب شده مردمایکه طرفدار سلطنت شخص فرانس اند در بر انکیختن عوام و برافروختن جهان راهی بدست آورده در اطراف وجوانب شروع به اغوای اهالی و تقریرات منویانه نموده اند

مقاله یکی از فضلاء نامدار

(قابل توجه ارباب حل و عقد رجال دولت علیه ایران) دولت علیه را لازم است در هر بلدی از بلاد ایران چند نفر دانای مامل و هوشیار حکیم صاحب همت نفس که خادم حقیقی دولت و ملت باشد نگذارد هر قدر مهاجر بخراهند بکربلا یا مکه وغیره بروند باطلاع آن حرکت نموده نفوس آنها مع اسم و رسم ثبت دفترخانه‌ای شده تذکره عثمانی بدهند - و جمیع تملقات و اوامر را در آن ورقه تذکره قید نمایند - باید مقصود جلب منفعت نباشد و اصولی در آن قرار دهند که ملت در قبول آن اکره نکند

شرط اول آن این است که زوار اسب سوار بی تنگ وقت حرکت نه نمایند

(۲) وجهیکه دارند در دفتر دولت بنویسند و ظاهراً شود که مهاجر مدیون و فراری نیست

(۳) آنکه حرکت وی بخارج مشروط باشد بر اینکه برود و برگردد بوطن خود - و اگر نیت آمدن ندارد لازم است همت را بیان کند و در دفتر بنویسند - و اگر معذور باشد مانع نشوند - و خرسواران نیز لازمست قسمی از اسلحه بردارند از قبیل پستول یا قه بدون اسلحه حرکت رعایای ایرانی بخاک عثمانی ممنوع باشد و پیاده نیز قه و غیر آن را باید داشته باشد - و شرط اول حرکت این اصناف از ایران آن است که پول خود را معین کنند که کفایت از مصارف رفت و آمد میکند یا نه و نیز ظاهراً شود که مهاجرین مدیون و مجرم شرع و صرف نباشند و بمالغان بی خرج و بیکس و بی صاحب نیوقتاده باشد و کفیل بدهند که در ملک اجنبی و در راه کدائی نکنند و به کسی دست درازنه نمایند مگر بعنوان قرض الحسنه - شرط دیگر آنست که کفیل دهند در عودت بر

اهل و خیال خود و مرآینه اگر در راه یا در محاکم خارج کسی از ایشان فوت شود جاوش ورقه از نمایند دولت بیاورد که فلان شخص در فلان روز فوت شده تا در آن دفتر قید کنند و باید اعلان دهند بزوار و جاوش که هر کس از شما متفقود ما بقی شماها مسئول خواهید بود مگر آنکه سندی بیاورید که بجهت و علت مرده است و نیز در قالب شهرهاییکه مسافرین ایرانی بیارند لازم است نمایند دیندار و پاک دامن گذارند که باهوش رعیت رسیده و شروط معموله را ملاحظه کند اگر عمل نه نمایند اذن بمرکبشان ندهد مگر بمدر معین اگر جمیع زوار مسلح باشند دزدان خاک عثمانی از آنها توهم نمایند ولی مشروط بر اینکه دولت علیه ایران با دولت عثمانی معاهده نماید که اسلحه زوار را در مرحد نگیرند و اگر اسلحه آنها بگیرند در خاک خود ضامن حفاظت مال و حراست جان آنها باشند چون دولت عثمانی بر دزدان خاک خود تسلط کامل ندارد بناچار تسلیم خواهد نمود که رعایای ایران که وارد خاک عثمانی می شوند مسلح باشند و این مسئله از دایره حقوق بین الدول هم بیرون نیست اهمیت این مسئله از روی سیاست و پلتیک و حفظ حقوق رعایا بسیار است بزرگترین علت ترقی دولت انگلیس در خارجه یعنی در محاکم اجلیبه این است که در حفاظت مال و حراست جان یک ادنا رعایای خود که در خارجه اند و لومتهی شود که یک ثلث دولتش بر سر او بر باد رود اقدام خواهد نمود این است که رعایای جمیع دول در خارج از خاک انگلستان خواستکاراند که تحت وطیت و رعیت دولت مشارالها در آهند و این امریکه اسباب همده ترقی نفوذ و رسوخ دولت انگلیس در محاکم اجلیبه کرده است امروز در کره ارض در خارجه بلکه در داخله رعیتی از رعایای دولت علیه ایران خوار و ذلیل تر در نزد اجانب دیده نمیشود درین صورت مسلم است که دولت با اینگونه رعایای رنجیده دل برداشته هیچکار از پیش نتواند برد این همه نفوس ایرانی که در محاکم خارجه بین و مانند جراد منتشراند بیشتر بواسطه عدم مراعات حقوق رعیتی آنها است چه در خارجه و چه در داخله این مسئله بقدری اهمیت دارد که بیانش از تحریر بیرون است ذوق سلیم خود بنگارن سیاسی آن خواهد رسید

◀ دخل حکومت پنجاب ▶

دری مانگفته عایدی حکومت پنجاب يك مليون و صد و ۲۷ هزار و سیصد ۷۲ روپه ۵۰۰۰۰ در مقابلہ آن (۱۶۷۸۷۴۸) خرج شده - از اپریل - سنہ (۱۹۰۰) الی می ماہ سنہ (۱۹۰۲) ۱۱۶ ماہ کامل است آمدنی حکومت مزبورہ (۲۱۸۷۹۳۱) روپہ بودہ و خرجش (۳۴۴۸۶۳۸) اسال ذخیرہ دخل از خرج بسیار قلیل مانده - و حال آنکہ در بودجہ سال روان تخمین (۴۱۴۷۴۰۰۰۰) روپہ دخل و (۲۸۶۸۰۰۰) خرج شد بود

◀ تجارت ہند ▶

§ در ماہ می هفتصد و ۸۸ هزار و سیصد ۹۸ (ہند روپہ) از ہندوستان خارج شدہ -
روغن دو ملیون و دوپست و (۶۴) هزار و سیصد (۴۲) ہند روپہ -
بزرگتان يك مليون و یکصد و (۳۳) هزار و چهار صد و (۶۱) ہند روپہ -
نیل (۵۷۴) ہند روپہ -
غن (۸۹۹۴۲۲) ہند روپہ -
جانی یکصد و (۲۶۵۲۷) ہند روپہ -
برنج یکصد و (۱۹) هزار و چهار صد (۴) ہند روپہ بخارجہ رفته است
از یکم جنوری الی (۳۱) می ماہ کہ پنج بروج کامل است بعضی از اشیاء حسب ذیل از بندرگاہ کلکتہ - و بمبئی و کراچی بخارجہ فرستادہ شدہ
پنبہ شش ملیون و سیصد و (۸۸) ہزار ہند روپہ
روغن شش ملیون و صد پنج ہزار و (۴۴۸) «
بزرگتان ۷ ملیون و هفتصد و (۸۴) ہزار و (۴۸) «
نیل (۲۵) ہزار و (۱۷۸) «
سن هفت ملیون و چهار صد و (۵) ہزار و (۶۸۹) «
جانی یکصد و (۵۵) ہزار و (۱۶۵) «
برنج چهار ملیون و هفتصد و (۹۶) ہزار و (۱۹۲) «
(يك ہند روپہ (۵۶) سیر و سیر دوپست متقال ایران است)

◀ مریض خانہ های بنکال ▶

§ رپورت ۷ سالہ مریض خانہای بنکال بابت سنہ (۱۸۹۹) سنہ (۱۹۰۰) و سنہ (۱۹۰۱) قایم و از مطالعہ آن ظاہر میشود کہ در ہر سہ سال در

این عفاخانہ ہا چہارادہ ملیون (۷۰) ہزار مریض زیر علاج آمدہ - این عدد ظاہر میدارد کہ نسبت بہ ۷ سال قبل از آن ۷ ملیون مریض زیادہ علاج شدہ از دفترامانہ بومیان (۵۷۵۰۰۰) روپہ در امداد شفا خانہا رسیدہ در ۷ سال اسبق این مبلغ (۴۳۵۰) رسیدہ بود - از فہرست آنچه وصول کردیدہ (۳۰۰۰۰۰۰) خاصاً از بومیان کلکتہ و (۱۴۴۸۶) و از اروپائیان (۱۲۰۰۰) روپہ وصول شدہ - آنچه معلوم میشود از بومیان ہند وجہ امانہ کہ میرسد نسبت بہ سابق کم میشود و در این باب حکومت بنکال از بی توجہی اہالی شکایت دارد

◀ زندہ بگور نمون ▶

در (از میر) یکی از امرا فوت شد - اقاربش بعد از غسل و کفن و نماز در قبرستان - خیال سر از بر نمودن در قبرش داشتند کہ جنازہ در حرکت آمدہ حاضرین روی و را شکستہ دیدند خندان امت و بہمان حال برخاستہ بزاتو بنفست - مردم ازین واقعہ حیران و مردہ متحرک از کیفیت ما وقع جويا شدہ معلوم کردید کہ مریض در حالت سکتہ بود اقارب آن بخیال اینکہ فوت شدہ قصد زندہ بگور نمودنش داشتند

◀ مکتوب وطن پرست ایرانی از مارسل ▶

مدیر روزنامہ مقدس را بہ عرض اراحت مقدمہ دیروز از (مارسل) و طریق خاک (سویس) وارد خاک (آلمان) و سواد اعظم (برلن) کردیدم - ہزار و هفتصد و هفتاد کیلومتر راہ را (طرن) تندرو با (اکسپرس) فاصلہ سی و ہشت صباحت طی نمود - پس از دو روز توقف امشب خیال دارم ترک خاک آلمان و شہر (برلن) را نمودہ بازم خاک روسیہ شدہ پس از سیاحت شہر (ورشو) (مسکو) روانہ مکاریہ کردد خیال و اسباب این مسافرت برای امور تجارتنی اختصاصی است

مقصود دایمی این بود کہ از (برلن) پای تخت آلمان کہ گذر میکنم چون امروز نقطہ مهم (بولتیک) است بقدر ادراک و معرفت خود از غیرت و تمدن و آسایش اہالی و تعمیر و پاکیزگی و منظیات ادارات ملی و ملکی و قدری از تاریخ شہر مذکور و ہندوسلطنت

و سرگذشت حالات اولیه آنها را مختصراً زحمت افزا شوم ولی چون از هفته ما قبل به اداره مقدس و مشترکین محترم در خصوص ختم عنوان جزیره (مارتینیک) و سرگذشت آن مقروض حسب الوعده به تکمیل او پرداخته ادای دین خود را نموده سپس به محسنات شهر (برلن) خواهم پرداخت

در آخر مکتوب (مارسل) عین صورت تلگرافیکه حکومت جزیره (کوادلوب) نموده بود نکاشتم سپس وقایع این بلای ناکهانی را حکام و مأمورین جریر ایس و امریکا بداره مطبوعات خود اخبار داده درج در صحایف روز نامجات اجانب نیز کردید

ولی سرگذشت جزیره (مارتینیک) و شهر (سنت پیر) در روز نامجات رسمی و غیر رسمی اهمیت پیدا نکرده بود - تا اینکه تلگراف (قایم مقام) شهر (فورت دی فرانس) برای وزیر مستمرات فرانسه رسید - روز دهم ماه مذکور ساعت یازده و نیم از نصف شب گذشته - برای این مصیبت جمیع دولهای معظم برای رئیس جمهور فرانسه تلگراف سرسلامتی زده اظهار غمخواری و تأسف نمودند - صورت تلگراف بدین مضمون بود

شهر (سنت پیر) روز هشتم این ماه بکلی سرنگون گردید و شصت فرزند کشتیهای فرانسه و اجانب که در لنگرگاه روز هشتم موجود بود همه معدوم گردید - روز سوم ماه مذکور شش ساعت و نیم از ظهر گذشته ابر سیاهی در سر کوه (پلی) نمودار و صدای رعد و برق زیاده شلیده میبفتد و از دور آثار برق دیده و صداهای عجیب و غریب می شنیدیم فرهای آنروز کوه مذکور که قریب پنجاه و یکسال اسب آثار آتش افشان و صعود انجره در او ندیده ایم بنسای عفونت گذاشته از فضلات جسمانی ارض آثار آتش افشاندن نهاد تا اینوقت ما را بخاطر میرسد که باران در قبه کوه میبارد صدا های عجیب و غریب از دل ارض باصمان بلند روز چهارم طرف عصر خاکستر گرم پرا عفونت مع سنگریزه های آتشین در دامنه کوه بر بخت ساکنین دامنه کوه و بیوات زارعین و ایلیات را بسوزانید - دهقانان قدری سوخته و قدری نیم سوخته و بعضی سلامت فرار اختیار نمودند - رفته

رفته غضب الهی و آتشی فشاندن کوه آرام گرفته فقط صدا و طلاطم و رعد و برق در تزیید بود انجره و عفونت و خاکستر در اطراف کوه و بخت رفته رفته ابر سیاه و عفونت باز پیدا نموده خود را مقابل و بالای شهر (سنت پیر) رسانید - روز هشتم هفت ساعت و هفده دقیقه از نصف شب گذشته یا تخمین سه ساعت از آفتاب بالا آمده کوه آتشی فشان (پلی) سکه در چند کیلو فاصله شهر (سنت پیر) واقع در شمال مملکت است و ارتفاعش قریب دو هزار و هشتصد متر است یکمرتبه بنای آتشی افشانی نهاد بفاصله چند ثانیه بقدری احجار آتشین از او بلند کردید که قوه جسمانی ارض او را بقدر ده هزار متر باطراف و جوانب باغید که در این مدت قلیل تمام شهر و اشجار و مستمرات و دهات و خیابانها مع کشتیا جمله آتش سكرفت و بقدر سه متر خاکستر سرخ روی زمین را فرا گرفته و ریکهای آتشین بوژن هفت (اس) بیارید خیابان و راه کالسکه رویکه از (سنت پیر) تا (کار به) بود اشجار و درخت هایش آتش گرفته که مردم را عبور و مرور غیر امکان بود و از (فورت دی فرانس) که قریباً بفاصله سی کیلو متر (سنت پیر) واقع است بوی عفونت و آثار آتش افشان محسوس می شد در هالاساعت از برای استخلاص اهل بلد چند کشتی که در (فورت دی فرانس) موجود بود فرستادیم من جمله (سوشارد) کشتی جنگی و چند فروند جهازات تجارتي لا سکن عفونت و حرارت کوه مانع است سکه کشتیا نزدیک روند

در هر حال کشتی (سوشارد) چند تن را نجات داده میگوید کسایکه راه نجات از آتش یافته ارتشکی و کرسکی جان میدهند - نروث اهالی و ادارات بنک تمام در مواقع خود بدون پرستار - چند تن از قطاطان طریق وقت در دست آورده از هر طرف جمع آوری اموال اهالی فلك زده را می نمود - تخمیناً تاکنون سی هزار نفر از این بلای ناکهانی سوخته و بر جنازه آن بچارکان که در شهر سوخته و نیم سوخته اند آفتاب تابیده تعفن هوا پیدا کرده شهر قابل آسایش و

و دھول نیست - بعض از جنازه‌ها مشاهده میشود بدون اینکه موضعی از مواضع ایشان سوخته در نفس آخر خود را هم رو انداخته و دستمال در دهن سگذاشته که عفونت نگیرند از این قرار چنین استنباط می‌شود که شهر يك عفونت و (کازی) پیدا نموده که کسانی که از بلیه آتش نجات یافته از عفونت‌کاز و حرارت مرده اند و مابقی از تشنگی و کرسنگی جان بچسان آفرین تسلیم کرده از دهات دور دست (کاربه) و (پره شور) بقدر پنجهزار نفر خود را بشهر رسانیده که به بازماندگان آذوقه برسانند و بقدر امکان از مجروحین پرستاری نمایند - تعقیب تجارتی موصوم به (کبل) در این روز چهار صد و چهل و پنج نفر را از جزیره نجاشه داه در (فورته دی فرانس) آورد مابقی سگشهای فرانس فر دفرده رفته اهالی را سوخته و نیم سوخته می‌آوردند

شهر قدری از باریدن آتش ساکت شده یعنی دیگر چیزی برای سوختن باقی نمانده - کوچها و مهارتها تماماً غروب بلکه از آثار مهارت چیزی باقی نیست - هنوز در کوچه و بازار عبور و مرور ممکن نیست - از هر طرف جنازه سوخته و نیم سوخته افتاده - از قراریکه مشاهده میشود تا دو روز دیگر آثار آشفته‌ای از شهر برداشته خواهد شد - دریا بکلی در طلاطم امواج بزرگ بزرگ برخاسته خود را بسواحل جزیره میزند - آب دریا بقدر ده (ساعتیم) مرتفع و عاشارک و سوخته و نیم سوخته بعض جنازه‌های مردگان در روی او در حرکت و رنگ آب دریا بقدریکه فرسخ یا پنجهزار و هشت صد و هفتاد و پنج متر چون مرکبسیاه شده است خلاصه این واقعات در ایامی بوده که رئیس جمهوری فرانسه (موسیولوبه) از مسافرت روسیه و (سنت پترزبورخ) مراجعت میفرمود و وارد بلنگرگاه خاآفرانسه شده وزیر مستعمرات از اینخصیت آگاهیش داد - امر صادر شد بحکومت (فورته دی فرانس) که از اموال مردم و باز ماندگان شهر مواظبت نمایند و مجروحین را پرستاری کنند - مجلس شورا و پارلمان که مخصوص بوکلای ملت جمهور است دفتر اطامه باز نموده که وجه او را بیاز ماندگان اهالی شهر سوخته رسانیده تا مهارت و املاک سوخته خود را که باعث ضرر ایشان

همه مجدداً بهتر از سابق ساخته و کسبه را ایامه کاسی و تجارت عطا نمایند و هر يك از هوا خواهان حوزه السایت بقدر خود امانت نموده و مینمایند و تاکنون بموجب ریزد فقرات خیرات (مارتینک) که در روزناجاة رسمی و غیر رسمی دیده‌ایم پنج میلیون هشتصد و سی و شش هزار و دویست و بیست و پنج فرانک اطامه جمع نموده و تا هشتم ماه می سنه (۱۹۰۷) در نتیجه جمع وجه اطامه خواهند بود - از بزرگان انگلیس و آلمان و آازونی خیلی از اهالی اموال خود را بدل مصیبت زدگان کرده با وجودیکه از ملت فرانسه نبوده اند

افواه است که مهندسین جدید از خاک فرانسه انتخاب نموده که شهر جدید بطرح و اسلوب حالیه قدری دور تر از پایة (کوه پلی) برپا نمایند در این موقع لازم دانسته که شرح مفصلی در باب لرزش یا زلزله و یا بلیساک آتش نشانی سکوه از تاریخ نهمد سال پیش تاکنون مشروحاً نگاشته آید تا معترسین محترم بر اطلاعاتشان افزوده بدانند که ایام ماضیه بر آبا و اجداد ما از این گونه مصائب خیلی بزرگ وارد آمده و در صحیف تاریخ و علم الارض مستور است -

داستان روسیا

(از شماره ۴۲)

کردار (آترینه) با دیگر پادشاهان

با آنکه پادشاهان اروپ همگی از چگونگی بخت بر آمدن او آگاهی داشتند در پذیرفتن او را بنام پادشاهی خود هاری نمودند - و برخی هم خشود گردیدند و از انجاشیکه فریبندی او را سرشتی بود و بدان خوبی داشت چنانکه در آغاز کان میرفت آنگونه با شهروندان رفتار نمود در آغاز کافخذا که جاب نموده در میان مردمی پراکند در آنها از کارهای کشوری و لشکری سخن میراند پروسیا را دشمن جانی روسیه بقمسار می آورد زیرا میخواست که مهر امپراتور شوهر خود را از دها به برد و از ترس آنکه مبادا لشکری که در زیر فرمان پروسیا هستند بهواخواهی شوهرش برانگیخته و بر او بغوراند بجای فرمان داد که آن سپاه بر گردد و بسرداران و سرکردگانی که سامان در کشور بودند فرمان داد از برای جنگ آماده شوند سپاه برکشت و

تقریباً بعد از آنکه در کشتن سپاه گفتگوی بهر داشتند و کس بدان ندیده یافتاد و آریش را کان آن بود چون (بتر) از میان رفت ناآزیر (کترینه) مانند یعنی از حد بگالکی در آمده و سپاه روسیه به آهنگ پروسیا روانه خواهد شد که نگاه لشکر روسیه کشور پروسیا را نمی چکرده و با پروسیا بدوستی بر خلعت و به چنان امپراتور با پروسیا از دوستی درآمد - پس از روی شکفت انگفت خود را بدندان کزیدن گرفت و فرانسه هم بدوستی هائیکه پیش از پادشاهی درباره فرستاده یاز (کترینه) بروز نموده بود بخت گرم بوده بویژه که (کترینه) بزبان فرانسه نیز آشنا بود و همواره بخواندن و نگاه کردن نامه هائیکه بزبان فرانسوی بود میپرداخت و از این رو میبایست فرانسویان را دوست بدارد و با آنان یاریابد - اما همینکه پادشاهی رسید یکباره کردار خود را بر کردارنده و در باره فرانسه مشغنی ددونی خود را بی هیچ بهانه آشکار و بیادشاه داغدار که از لشکر کشی امپراتور بی آرام بود به فرستاده او که در پترسبورگ بوده بیخام داد که از پس گرفتن خاک موسیقی دل خود را آورده دار که آرزوی من آست که شیرازه دوستی ما از هم نکشد و او را از این رو آورده نموده و با فرستاده انگریز هر چند مانند فرستاده یک پادشاه دوستی رفتار می نمود و از اندازه بیشتر مهربانی میکرد اما چون از ظرایف بزرگ انگریز یکی بازرگانی با روسیه بود در آن باره بیانی با آنان استوار نمود و او را نیز تا یکباره آورده نموده - و پس از نشستن بخت پادشاهی هرانکه روزی به آسانی دست رس به بیک سو نمودن گفتگوی بیرونی شده و چون پادشاه پروسیه (فریدیکوس) با خرد و هوش از همه بیشتر بر معوار او آگاه بود در روزگار زندگانی و پادشاهی هومرش چون میدانست که بیادشاهی خواهد رسید فرستاده خود نکافت که (کترینه) را بسیار ترسناک بدید که با او اینگونه رفتار نماید که از او خوف نمود باشد زیرا که انجام کار امپراتور هویدا است با آنکه فرستاده پروسیا از نزدیکان و رازداران امپراتور بود و شب و روز همراه و همراه او بود تا دید که کار برگشت او را ترک نموده و با امپراتور بی دوستی و با او بگرتگی آفرید و از این رو بسیار نوازش و مهربانی دید از

برای آنکه هویدا خود پادشاه پروسیه درجه پایه بخوبی و سرشت (کترینه) این بوده بود نامه را بیک از دوستانش نگاه در اینجا میگذارم

(نامه)

اینکه (کترینه) هومر خود را از پادشاهی انداخته و او را گفت و این از آغاز هویدا بود هوش و دلاوری این زیاده است و هر کام برستی از هومر خود بی حکم نمی آرد و هیچ کس هله بستگی ندارد در غیرتک و فریب و ریو ورین مانند زن (زنون قصر روم) - (اندربان) بیاید و دستور پیش که دوست جانی (کترینه) است از ددرون به پول انگریز فریخته میباشد کوی کارش مانند پیش بود اما امپراتور میخواست مانند نیابکان خود پتر نخستین رفتار نماید چون در خودش آن نهایتی نبود نتوانست

(رفتن و برگشتن کترینه از مسکو)

چون پادشاهان روسیه باید در شهر مسکو که پای تخت نخستین ایقان بود دیوم بر سر نهادند و (کترینه) هر چند بزودی از پادشاهان اروپا آسودگی پیدا نمود اما در میان کشور از آنکس مکش رهائی نیافته کاهی بخشم و حساسی بهم با مردمان رفتار مینمود و از برای آسایش و آرامی مردم هویدا است آنچه پایه و پایه کوهان هر کار بود - پس از آنکه شدید در مسکو با دادن بخشش و بخش نمودن باده و نوشاندن سپاهیان اندکی در آنان آرامی دست داده در رفتن بسوی (مسکو) بگه دل و یگرای شدند - پس با سپاهان و سپاهیان نگاهبان پترسبورگ را کرد نموده با مهربانیهای کوناگون از خود خوشنود و نگاه داری شهر را به بزرگان و فرامدگان و پاسبان سپرده و چنانچه شاید و باید خود را از آرزو آورده و پسر خود (پاولو) را با نزدیکان و دوستان خود و کسانی که درباره آنان بدکان بود همی را همراه برداشته با دستکاه آراسته وساز و برک شاهانه بشهر (مسکو) درآمد با آنکه پیش از آمدن او با داد و دهش آرازه او را بلند نموده بودند از آمدن او در مردم شادی و خوشنودی بیدار نگردیده و در روزیکه بمسکو میرسید بیشتر مردم از برای دیدن پسرش پاولو پیشواز نموده کرد آمدند و از بدوستی که بر پدر (پاولو) رسیده بود همی اندوهناک بودند سردکی از چهره شان بیدار

و با آنکه تا هنگامیکه در مسکو بود همه روزه با بخشش و افزونی پیه و دامن نهان بخوشنودی همی میبردلخت و بزرگواری خود را نمودار می نمود و بر پایه (آدرلوف) سه گانه هم افزوده و ایشان را کاهروا و کاهران نمود - و برخی آئین های نادان پند نهاده و در کاغذ چاپ و در میان مردم پراکند که شاید تواند نیک نفسی از برای طوبی بچنگ آرد - با همه اینها با خوشنودی در مسکو زیستن نتوانست بلکه گاه گاه از شویش مردم دریم و هراس وی آرام بود - و بامید آنکه دوست بدکار او (اورلوف) شاید چنانچه در آغاز کار او برای پادشاهی او کوشید پس از این هم کوشش نموده و در سایه دلاوری و بی پروائی او تواند خود را تکامداری نماید یکباره در هر کار زیون وزیر دست او گردید و (اورلوف) نیز کستانخی پیغه نموده بی پروا به لژ بروز دادن رسوائی های نهانی و سروکارهای پنهانی که با او داشت خود داری نمینمود و بی ترس و بیم نامه کس این راز را در میان می نهاده پس بر هم کنز روشن و هویدا گردید که پیشی و پیشی او بر همکنان از چه راه است چون کار بدینجا رسید (بستوجف) دستور نخست به امید آنکه شاید تواند بدون سختی و شورش کاری بنماید که (کترینه) به آشکارا (اورلوف) را به شوهری به پذیرد دامن بر گراستوار و پامیانی نمود - و اما بزرگان دیگر در نخستین پایه دلگیر شده و در هر سو گفتگو میان آمده و نشانه شورش هویدا و نمودار شده و کار بجایی رسید در دو بروی (کترینه) به (اورلوف) گفتند تو را خواهیم کشت و بخود (کترینه) درباره این اندیشه سخنان زشت سم آویز گفتند چون دید پس از این زیست در مسکو شایسته نیست و کان زیان می رود از سودای زنا شوقی او چشم پوشیده آئین دیهم گذاری را پایان آورده و هفتاد در رفتن نمود و روزیکه میخواست از (مسکو) بیرون رود مردم (مسکو) بنیاد شادی گذاردند و رسوائی نماید که نکردند چهره او را چون نکاشته و در سرای (مسکو) آویخته بودند از آنجا پائین آورده و با افکنده باره باز نمودند - با این رسوائی از (مسکو) بیرون آمده و خود را به (پترسبورگ) رسانید و در روز در آمدن به (پترسبورگ) از برای آنکه مردم نایش از نو نموده و بزرگواری بفروشد سپاه بسیاری

انبوه نموده اما فکر نیامده و بزرگ و کوچک بیش از پیش از او بیزار و دل آزرده شدند (باقی دارد)

مکتوب یکی از موثقین

مدیر روزنامه مقدس - از آراهیکه جناب عالی عاره اوقات گرامی خود را صرف اصلاح اخلاق ما عوام ایرانی میفرمائید خواهشم بر جناب عالی و دیگر مشترکین محترم روزنامه مقدس ظاهر دارم که (ماهی از سر کرده کرده نی زدم) یعنی فساد اخلاق ما ملت عجیب قدیم ایران نتیجه خرابی اخلاق پشروان و واعظین غیر منتظر است - تصدیق این عنوان را مکتوبی که جناب ... جناب مستطاب حاجی زین العابدین آقا قلی اف تاجر بادکوبه نوشته و جواب حکیمانه که از طرف ایشان داده شده برای درج در جلالالتین فرستادم تا اینکه برخی خواص ظاهر کرده که ایام فریب گذشته و وضع دفا کهنه شده زمانیکه به تصور می شد مردم را بدام آورده غیر این زمان بود تا ازین به بعد اینگونه خواب ها برای مردم نه بیند و این قسم دام حیل برای فریب خاص و عام نکشاید حق این است که این مراتب ناشی از جهالت است این فلک زد مسکان که مبتلای بجهل مرکب اند چنان تصور مینمایند که مردمان بزرگی که هر خویشتن را در خارجه صرف نموده و بکدبعین و هرق جبین روق اندوخته اشخاصی از دنیای خبری اند و بهمان عقیدت و نظری که چهار فرجهال و عوام ایران با ایشان دارند آنها نیز البته باقی اند ازین غافل که بزرگان گفته اند

(عقل و دوات قرن یکد را ند)

(هر کوا عقل نیست دولت نیست)

بزرگانیکه از روی عقل و دانش دارای ثروت خداداد شده اند از روی عقل و دانش نیز تمول خویش را بجای درست خرج مینمایند نه از روی عدم بصیرت کور گورانه هر کس دست تکدی نزد ایشان دراز نمود و راستقی نمایند - خصوصاً بدین گونه تذاویر و خوابهای شتری - خلاصه فکارش مکتوب ذیل و جواب آن اولاً خالی از لطف نیست و ثانیاً مایه تأذیب و سد طمع جمی مردمان خام طمع تواند شد

مکتوب مزبور

(فدایت شوم)

گرچه این مهجور مهجور است از فیض حضور

لیکن از دوران نزدیک است و از نزدیک دور
سبب و جهة عریضه نکاری و زحمت افزائی
بدون سابقه و آشنائی و ملاقات این است - که
باشند عیون ما هم شدم - اولاً جناب عالی باید قدر خود را
بدانید - دستور نظر خدا و اولیای حق میباشید
خوبی کمتر لازم دارد - اول معرفتی از خود کرده
باشم دعا تو حاجی نجفی ملقب صدر
از معارف و مشاهیر اهل ملیر در تمام نقاط روی
زمین معروف تمام اهالی دولت و مات ازادانی و اطالی
و هرگز هم در خط کلاشی و جاب ملقبه بین اشکال
خدای واحد شاهد است که نبوده ام و نیستم -
از اول تولدم در نجف اشرف الی مدت بیست و
هشت سالگی تمام را بجاور در همان نقطه و دعا کوی
شیمیان در کمال استقلال بودم - بعد از آن بر حسب امر
علمای اعلام که تفصیلی دارد بنادر بوشهر آمدم و الحال
بیست و چهار سال است که هم جا در سیاحت بوده ام و
سه ربع این ربع سکون که خاک اروپا الی لندن و خاک
افریقا مصر و توابع آن و تمام خطه هندوستان و غالب
ممالک ایران را در کمال عزت گردیده ام کراراً حضور
شاه مرحوم ناصرالدین شاه و شاه حالی رسیده ام
غالب اولیای دولت دعا کورا میباشند و همه بصورت
ظاهر دعا کورا با مایه و مالدار میدانند - ده سال
است که در شیراز توقف کرده ام اگرچه دو سه سفر
بر حسب لزوم بطهران و خراسان رفته ام در این دو
سه ساله عمر مانده عرض میشود قریب هفتصد و پنجاه
تومان باطراف و خود شیراز خورده خورده مدیون
و مقروض شده ام که هفتصد روپیه آن به آقا حسین
نام لاریست ساکن بمبئی در انیس الیاهوساسون
است و کذاک در کار خود حیران و سرگردان ماندم
مانجی باقا و مولای خود حضرت سیدالشهدا سلام الله
علیه کردیدم و ختم یک اربعین زیارت عاشورا را
مشتول شدم بجهة قضاء دین و کشایش کار که احدی
هم تا بحال ملقت نفعده و نمیداند از استغنائی طبع و
مناعتی که دارم در سه شب قبل که شب می و بتم
ختم عاشورا بود در عالم رؤیا اشاره شد که کشایش کار
تو بکف کفایت دوست منصب غیور خدا حاجی
رضین العابدین قی اوف در باد توبه است متعبرانه و

متوحشانه از خواب بیدار شدم همچو اسی لعلید
بودم جوایبی حال و احوال جناب عالی کردیدم جیبی از
حضرات شکوئیها که همه ساله برای خرید پوست بره
از ولایات بشیراز می آید و با دعا کو آشنا میباشند
از یکی ایشان مشهدی صمد آقا پسر حاجی محمدصادق
علی اوف جوای شدم همچو شخصی باین نام و نشان
در باد توبه هست یا نه و آیت و حالاتش چیست
شرحی بسیط اوصاف حمیده سرکار را نقل کرد هرچه
سبب پرسید ابراز نکردم - خلاصه لابد شدم عریضه
نکار شوم زیرا که (پای مالک است و منزل بس دراز)
هرگاه بر دل جناب عالی این عریضه اثر کرد و بقول
حضرات فقرا برات شد در دستگاه جناب عالی ابداً احمیق
ندارد این نوکر مخصوص سیدالشهدا را از زیر بار قرض
نجات داده احیای نفسی فرموده باشید - (که من احیا
نفساً نکانیا . . . بیجا) از مرحبه و جیبی از وجوه
بریه محسوب دارید مثاب و نا جور خواهید بود محققاً
(یک روز خرج مطبخ نوقوت سال ماست)

(یکسال قوت ماده و یکروز روزه دار)
هرگاه هم شیطان وسوسه کرد و نگذارد ازان خاتم
که از دست طلبکار که بعزت همیشه بوده ام آخر خود را
هلاک کرده باقی خود را خراب کنم - دیگر امر امر
مبارک است (تا چه میکنند همت والای دوست)
دستخط متاع باسم دعا کو میرسد در شیراز مشهور و
معروف همه جا - والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

جواب مکتوب فوق الذکر

§ از باد توبه الی شیراز جناب حاجی . . . صدر
. نجفی صلحه تعالی

عرض مینماید - رقیبه مرقومه ۲۵ شهر ماضی
که حاکی بیانات معلومه بود رسید - از مضامینش
چکان آگاهی حاصل شد -

حکیم علی الاطلاق در کلام معجز نظام خود میفرماید
(ما خلقت الجن والانس الی لیبدون - ای لیبرفون)
آنکه آنجناب معرفتی خود را از طفولیت تا حال فرموده
ابدی آنجناب هم معرفتی خود را مینماید تا مستحضر بوده باشید
بنده بسن هفت سالگی تا چندی قبل شاکر دبنائی
میکردم باجرود روزی هفت شامی ایران و از هر ق
جین و سکا دین خود را از دل احتیاج مخلوق

که اعظم جمیع صفات مذمومه السانیت رهایدم -
 و نامدنی همین قسمها شاگردی استادی از اهل حرفه داهم
 آنکه فرموده اید ربی از ربج مسکون که خاک
 اروپا و سیاحت آفریقا تا هندوستان وغیره را کردم
 آیا غرض از این سیاحت که کرده اید منفعت
 شخصی بود یا تماشای مهارت مطبق و دیوارهای
 منقش و چراغهای ملون و

اگر تمامی کره زمین را که منقسم به پنج قسم
 است از خشکی - اروپا آفریقا امریکا آسیا استرلیا
 و سه قسم است از تری محیط تبیرین شمالی و جنوبی
 و هندوستان را تا محیط بارده شمالی و جنوبی را هم
 کشفه بودید - چون غرض شخصی وضع ذاتی داشته اید
 حقوق از حالت پیش پیدا نکرده اید - با این همه بدایع
 خربه و صنایع عجیبه که دیده اید مثلاً چراغ الکتریک
 بدقیقه چندین هزار میل را روشن میتوان کرد درک
 کرده اید و ملتفت شده اید از چه قوه است و مبداء
 او کجاست و ماهیتش چه میباشد و اجزاء مرکبه او چیست
 یا بفرمائید هنوز لمای حبایی که پنجاه سالست بجهت
 مطالعه کتاب . . . هرسب در پیش روشن کرده اید
 علم دارید که چرا شیشه او را بر میدارید دود میدهد
 و شیشه را بگذارد دودش مفقود میشود

آنکه فرموده اید در نزد تمامی رجال و اعیان و
 بزرگان و شاه و . . . معروف و مشهور هستید این
 شمارندگان هیچ - از خود حضرت عالی سؤال میکنند
 درین مدت پنجاه سال زندگانی چه خدمتی بدولت و ملت
 کرده اید

شیخ مرحوم بهاءالدین محمد عاملی قدس سره در
 کتکول میفرماید سی سال است خواب راحت نکرده ام
 و شاهد صدق کلامش تصانیف نافه و تألیف مفیده
 آن مرحوم است بغیر از دیگر ایام زندگانی او که همه اش
 خدمات جداگانه بدولت و ملت اسلام کرده است که
 حالیه کتب او را علمای عصر بخرج میدهند مثل جامع
 عباسی و . . . و فلان . . .

آنکه ده سالست در شیراز که نزدیک اسطخرفارس
 است و زمانی اسطخرفای تخت نیاکان باکان بوده و در
 عهدی شش میلیون نفوس داشت و هر سالی دو هزار
 و پانصد نفر علمای علوم عالی مانند طب حکمت علم

حقوق جغرافیا و . . . مجتهد و مجاز گردیده و از
 مکاتب و مدارس بیرون می آمدند چنین شهری که
 دارالعلمش میخوانند پس حالیه چه شده که دارالجهل
 شده و در مدت ده سال توقف جنابعالی نتوانستید
 یکسبب مدرسه علوم جدیده بجهت نو باوکان اسلامی
 تأسیس کنید که بعد از چهار سال طلابش اذذل احتیاج
 خود را برهانند تا بعد از پنجاه سال مثل جنابعالی باین
 عظمت و شأن و شوکت و اشتهار و تعریفهای عام فریب
 دیوانه بستند احتیاج پیدا نکنید اگر شیراز که سلطه
 دراز دارالعلم بود دارالجهل نمیشد مقبره سرسله
 هرقا واجله ادبا خواجه حافظ قدس سره العزیز بعد
 از پانصد سال از کثرت جهل خرابش نمیکردند (ذاتک
 هو الحیران المین)

شخصیکه کتابشرا علمای فرنگستان و بزرگان
 هرقای اروپا ترجمه بزبان خودشان میکنند مثل
 (موسیو لایرنک هوین فرانسی) و تکریمات و تعظیمات
 زیاد بجهت ادبیاتش قرار بدهند بجز اینی آنکه مجسمه
 او را بیادگار نصب فلان . . . میکنم

آنکه فرموده اید ا مدت نوسل بمحضرت سید
 الشهدا علیه آلاف التیة والتشا داشته و باسم آن
 بزرگوار مدتی متبادی است تقدیرا شغل و کلا شیرا
 حرفه قرار داده اید و برای نفع شخصی ضمناً بر سر منبر
 بعضیها تمجید بر برخی را تردید کرده اید تصدیق از خود
 شما بطلیم پدر بزرگوار حضرت سیدالشهدا علیه السلام
 در مدت نصدت سال پیش بآن زندگانی چه شغل و کسبی
 داشت و از چه راهی معیشت میفرمود آیا لو انصح و
 اباع فصحای عالم نبوه چرا با وجود این میراتب
 ظاهری دست از شغل باز نمی کشید و از برای سرمشق
 بنده و سرکار از پس ترین اشغال و بدترین کارها
 نسب معیشت میفرمود

آنکه فرموده اید خدمتگذار حضرت سیدالشهدا
 علیه السلام هستیم برعه طالبان واضح و روشن است
 بدون قسم رسو کنند که آن بزرگوار ابداً راضی باین
 فساد و قباحتی که آبروی دین باک اسلامرا میبرد نیست
 و این اتهامهای بی دربی و دروغهای مادم که هر ساعتی
 بیکرنگی و هر روزی یکقسمی نسبت بآن بزرگوار و
 اهل بیت رسالت پنهانی بجهت کفرآیندن. چند روز

طریق دنیا و مریا سکردن اسب و استروباغ و راغ
آش و پلوو

صحیح است بنده در قفقازیه روسیه هستم لاک
از يك يك این فضیلتها و رواینها مستحضر
کان فرمائید از احوالات جناب ملا نجانی
در دو سال قبل در شیراز و مطلع نیستم

- § واعظان کین جلوه در محراب و منبر میکنند
- § چون مخلوط میروند آنکار دیسکر میکنند
- § مشکلی دارم ز دانشمند مجلس باز پرس -
- § توبه فرمایان چرا خود توبه کتر میکنند

لخدا و رسول و ائمه انام از این قبیل اشخاص که
فقری و فجورشان اظهار من الشمس است بیزار و بری
اند و لعنت ابدی بر آنها است (اللهم اللهم جیبا)

آنکه الهام غیبی سرکار را آگاه کرده است و فرموده اید
که گفته است (کشایش کار تو بکف کفایت دوست منصب
غیور خند) یعنی حقیر است (استغفر الله العظيم و بحمده)
از این اباطیل کفر آمیز و اراجیف زندقه انگیز بنده
شرمندة ذلیل را چه قوه دوستی با خدای عظیم جلیل است
(ماشاء الله ثم ماشاء الله) مراتب کلمات آنجناب معلوم
است هیکل و صوری سرکار هم بضمون (المکاتبات
اصف الملاقات) واضح و روشن میباشد مشکل کشای
قروض اعمال نامشروع و افعال نامطلوب سرکار بنده ام
(هدایتان عظیم) بنده صحیح است در اعمال نافه
بجال همومی ابناء وطن مقدس بی بضاعت اقدام و قیام
دارم که نفس همومی باشد مثل افتتاح مکاتب ملیه و
مریض خانه و غسالخانه و دارالمجزه و دارالایشام و
فریاد رسیدن محبوسین و حاضرم و دریغ ندارم
هر زمان از این قبل کارها باشد در بلاد اسلامیان عرض
اطلاع بذریعہ تلگراف یا مکتوب مستحضرم فرمائید
اجابت می کنم

آنکه فرموده اید (من احیاناً فکانها احیاء الناس جیبا)

ظاهر (من قتل) را قرائت نکرده اید

کل و شرب را در کوش کرد -

ولا تصرفوا فراموش کرد (

ابتقائوی واحکام نامح منسوخ که هر روز لزماً در شرعیه
صادر میشود که در خارج در نزد اجانب ذریه قدر و
مقدار از اسلام و اسلامیان باقی نماند و آبروی دین مبین

و شریعت همراه بهای یکشب و یک مجلس . . . همه بر باد
رفته و کرور کرور هم ملتان از ترس جان و ناموس
ستواری میشوند آیا مطابق فرع قویم است (قلم
انجا و رسید سر بکست) للسلام علی من التبع الهدی
از طرف الحاج زین العابدین تقی اوف باد کوبه عرض شده

➤ تاریخ مسلمانان مجمع الجزائر میلی

در علاجیات ضربی شیخ نورالدین ابراهیم بن
مولانا اسرانیله که بجز الجزائر را کاملاً سیاحت کرده
بود سنه (۱۸۱۲) در مقام (جری بون) سکونت نمود
و کم باشندگان آن صوبه را بکنهت مسلمان میکرد سبب
رسوخ و شهرت شیخ نورالدین ابراهیم زیاده این حد که
یکی از زنان معروف بمرض برص گرفتار بوده علاج
نموده شفا یافت ازین رو باشندگان (جری بون) معتقد
بوی شده هزارها نفوس بدین مقدس اسلام قائل گردید

در بدو اعلاهی سکلمه شیخ نورالدین ابراهیم
سرداران قرب و جوار مخالفت اختیار کرده ولی
شوالستند بهیچ موسوف قصانی رسانند پس از
چندی همان مخالفین از روی خلوص بدست شیخ
نورالدین ابراهیم دین مقدس اسلام را قبول کردند -

سابق نوشته بودیم که (آرپلودامس) حاکم شهر
(بلم پلنک) خود از خوف رعایا دین مقدس اسلام
را علانیه قبول نکرد ولی اطفال خویش را تسلیم و تلقین
اسلام نمود آرپلودامس - (راون پاتا) را با (راون حسین)
که فرزند او بود و برادر رضای راون پاتا نیز محسوب
میشد و دو سال از راون پاتا کوچکتر بود روانه بجانب
جزیره جاوه نمود هر دو از (بلم پلنک) روانه و وارد
در شهر (کریسک) شدند (راون پاتا) یکی بملاحظه قرابت
که پسر پادشاه مجاپاهت بود و دیگر از عداوت و بغض
که راون پاتا از پدر خود پادشاه مجاپاهت من باب
سوء سلوکی که با مادراو کرده بود رضا نداد همراه (راون
حسین) در شهر مجاپاهت برد و ناچار در شهر امپل
خدمت راون رحمت را غلبت دانسته اقامت نمود
راون حسین در شهر مجاپاهت رفته در آنجا کمال عنایت
و احترام را نسبت باو کردند بموجب حکم پادشاه
مجاپاهت اولاً افسر بر قشون یک صوبه شد پس
از قلیلی زمانیکه پادشاه خدمات راون حسین را ملاحظه
کرد و لیاقت ویرا ملاحظه سپسار بر قشون خود

نام نامی و اسم کرامی بعض از حاضرین مجلس را بدون ترتیب و القاب می نگاریم

- § حاجی زین العابدین آقا تقی آف تاجر بادکوبه
- § فرخ بك § ازاد بك
- § آقا غنی محمد اف تاجر بادکوبه
- § حنیفه خان حسین اف
- § حاجی کریم رضا اف
- § مشهدی قاسم حسن اف
- § حاجی محمد آقا شبستری
- § حاجی محمد آقا تبریزی کوزه کلان
- § آقا محمد جعفر امین التجار تاجر رشتی
- § آقا محمد جعفر تاجر تبریزی
- § آقا رضا اسماعیل اف تاجر رشتی
- § آقا محمد حسن تاجر تبریزی
- § کربلای علی اکبر تاجر تبریزی
- § آقا میرزا عبدالحسن حمیدالنجار وکیل شرکت صومیه
- § آقا میرزا غلامین تاجر اسفهان وکیل شرکت صفاییه
- § آقا میرزا محمد آقا حسن اف تاجر تبریزی
- § آقا محمد حسین تاجر تبریزی تاجر باشی
- § حاجی محمد اسماعیل تاجر شیروانی
- § کربلای اسدالله تاجر قبه
- § حاجی رحیم باقر تاجر لنکرانی
- § کربلای محمد تقی تاجر اردبیل
- § آقا محمد جعفر تاجر کاشانی
- § آقا مشهدی علی اکبر رضا یوف تاجر تبریزی
- § حاجی رضا تاجر تبریزی
- § آقا محمد جواد حاجی علی زاده تاجر بادکوبه

و غیره - و غیره

روز موعود که پنجم بود از ساعت شش الی ده بعضی از بزرگان و غیرتمندان بقدم شریف رولق افزودند و برخی که از روی خود پسندی و خود نمائی با شده بالوده میخورند و بانمود هم صحبت نمیشوند در مواقع دستگیری یکی از ضعیفان ابناء وطن و نوع خود دم از افلاس و خود را کترین خدمت آذار عباس میدانند نیامده - جناب . . . نفیم الملك بقسمی که شاید و باید و در خور هزاران تمجید و تحسین است در کمال شوق

نمود در آن اوان (راون پانا) با خیره (راون رحمت) مرسوم کرد و در مقام (بناره) که در همین شهر (کریسک) واقع و قطعه مرطوب بسیار محفوظی بود سکونت اختیار کرد و اینکه پادشاه (مجاپات) فزید که فرزند او (راون پانا) در شهر (بناره) قیام نموده و از خیالات او واقف شد فوراً (راون حسین) را در (بناره) فرستاد که (راون پانا) را بدر بارشاهی آورده اطاعت قبول نماید و اگر نمره ازین حکم نمود فوری شهر (بناره) را حراب کند راون حسین نزد برادر رضای خود (راون پانا) آمده پس از فصیح بسیار (راون پانا) را همراه خود بدر بار پادشاه مجاپات برد - بمحض رسیدن (راون پانا) از چهره او اهل دربار و جنات پادشاهی یاقه کمال تعظیم و توقیر را از او نمودند - فرمان شاهی بدین عنوان صادر شد که (راون پانا) رسماً حاکم بناره باشد راون پانا اول در بناره و بعد از آن در امپل معاودت کرد ولی روز بروز بنض و عداوت پدر در قلبش زیاد میشد و در قصاص و انتقام ظلمیکه بر مادر او نموده بود مترصد فرصت بود و خود را آماده و مهیا می نمود در تاخت و تاراج بر مملکت پدر یعنی پادشاه مجاپات - راون پانا و قتیکه در (امپل) آمد آنچه عقده و راز در دل داشت (راون رحمت) بیان کرد راون رحمت خیلی سی نمود که راون پانا را ازین خیالات منصرف نماید و آتش غضب او را بنشانند و دل ویرا بپدر صاف کند - اولاً از روی مصلحت اظهار کرم و الطاف پادشاه مجاپات را نسبت باو کرد علاوه بر این اظهار داشت که پادشاه پدر تو میباشد اگر چه کافر و در مذهب مخالف با تو است ولی چون عادل و مرد عزیز است از روی مذهب اسلام خلاف میباشد بلیکنونه پادشاه جهاد کردن خصوصاً جهاد فرزند پادپر آخر الامر حکم سریع نمود که مرکز از روی مذهب مجاز نیستی پادپر خود از در محاصره و مجاهده در آئی و با حرکتی که اسباب اذیت او شود به نمائی (باقی دارد)

اداره شرکت اسلامی در بادکوبه
بتاریخ سوم ربیع الثانی جناب نفیم الملك
نایبند مکرم دولت علیه ایران اهالی بادکوبه را از اهله و اشراف و سلسله تجار و غیره . . . بموجب دعوت نامیه مخصوص برای آراء نمودن منسوجات حرکت اسلامیه احضار فرمود

کوی سبقت ربود و اسباب افتخار و تیاهاات ایرانیان شده متوجه گردید صکه ازین امتعه نفیسه در تمامی قفقازیه افتخار بدهند یعنی از اداره مرکزی مالیهی

دولت پرستی و ملت شناسی منسوجات تاریخی دنیا و وطن را در میان مجلس بر میزد؛ سر به نهاده آتش و پلور به آیندگان آمده و مجلس آ

عناوین (۴۳)

فرمایند خداوند امثال این اشخاص

صحیح چاهی و ... شد ابتداء

و شنبه از فرطید

دولت دوست را در بلاد خارجه زیاد

از يك دادند و مدعوین را

نقیسه طیبه

اگر چنانچه قدری بیش ازین وکلای اداره کل

کان فساد دلبندهیم در مجلس

پس از آن

توجهی میفرمودند و رعایت حقوق شرکای قائب را

در و بیات حرکت اسلامی و ملت

حرف

منظور میباشد منسوجات در وطنیه قفقازیه شهری

و سپس حاجی - میرزا

مدینت

زیاد و طالب بی شمار پیدا میناید

وکیل اسلامی در روسیه

خطبه

خطبه حاجی میرزا عبدالمحمد وکیل اسلامی

از آن جوهر تا

در ممالک روسیه

در ممالک روسیه که در قولسخانه مادکوبه

احلام خواه جناب . . . حاجی

حین اراده منسوجات وطن مقدس دادند

حین اراده منسوجات وطن مقدس دادند

اف تاجر بادکوبه نظر بو طایف حق شناسی و تکالیف

سپاس بیرون از حد وهم و قیاس صالحی را سزااست

سپاس بیرون از حد وهم و قیاس صالحی را سزااست

ملت پرستی صکه شیوه شیوای آن مرد عبوره است

که نساج اراده قدرتش از کارخانجات صناعت ازلیتش

که نساج اراده قدرتش از کارخانجات صناعت ازلیتش

از جای حرکت کرد و از فرمایشات مدینت اساسی که

قامت کارکنان اداره عبودیتشرا

قامت کارکنان اداره عبودیتشرا

همه مشتمل به تصایح مشفقانه و مواعظ سودمندانه و

واقعه کرمانا بی آمه

واقعه کرمانا بی آمه

مبنی بر فواید و منافع آنما در حرکت است مستمعان

و درود نامعدود از مبداء فیض واجب الوجود نثار

و درود نامعدود از مبداء فیض واجب الوجود نثار

را چنان ملت و متعجب فرمود که نه مارا حدتقریر و

روح بر قنوح رئیس اداره شریعتی که از ترشحات قانون

روح بر قنوح رئیس اداره شریعتی که از ترشحات قانون

نه قلمرا یارای تحریر است

اوحی بیانش عقلای دهر و دانشمندان عصر به اندک

اوحی بیانش عقلای دهر و دانشمندان عصر به اندک

لفظه باک بیاید که شود قابل فیض

فحوص و تأملی بی به آیات معجز نظامش برده و

فحوص و تأملی بی به آیات معجز نظامش برده و

ورنه هر سنک و کلی لؤلؤ مرجان نشود

و به مفاد (و آیت لهم انا حملنا ذریتهم فی الفلک المشحون

و به مفاد (و آیت لهم انا حملنا ذریتهم فی الفلک المشحون

الحق تقریرات حکیمانه و بیانات سودمندانه آن

و خلقنا لهم من مثله ما یر کبون) را به تحریک سرانگشت

و خلقنا لهم من مثله ما یر کبون) را به تحریک سرانگشت

یکانه که همه دم از عصیت و ناموس ملت میزد کتابی

فکر صائب بمرصه شهود جلوه گر نموده

فکر صائب بمرصه شهود جلوه گر نموده

را خواهد و دقتی را شاید

سپس بر حضار مال بقدر بوعبده نماید درین اوان

سپس بر حضار مال بقدر بوعبده نماید درین اوان

من جمله در بین فرمایشات چند طاقه از منسوجات

سعادت و برکت توامان که آفتاب معرفت و دانائی از

سعادت و برکت توامان که آفتاب معرفت و دانائی از

نقیسه اسلامی بر داشت و نظری مفراط از روی

برکت علم و تربیت ظلمتکدهای جهل و نادانی را

برکت علم و تربیت ظلمتکدهای جهل و نادانی را

هواخواهم بر او انداخت و بمحاضرین فرمود - ازین

منور ساخته و از کثرت کپانیهای بی دردی و وفور

منور ساخته و از کثرت کپانیهای بی دردی و وفور

متاع که دست باقی اهالی و بضاعت وطن است هرکس

شعبات شرانگهای عالیه اغلب بلاد مخروب و اسکندر

شعبات شرانگهای عالیه اغلب بلاد مخروب و اسکندر

باید بردارد و بشیر ازین لباس بقتامت مرد غیرتمند

مردم مهجوب چندی نکذشته بلادشان مایه آبی چندین

مردم مهجوب چندی نکذشته بلادشان مایه آبی چندین

وطن پرست ملت دوست لباس دیگر نشاید تا چیزی

هزار شوارع و طبقات و نفوسشان باعث زور کرور

هزار شوارع و طبقات و نفوسشان باعث زور کرور

ازین امته درین مجلس باقی نماید جناب آقا محمد حسین

ازدیاد انفس محترم گردیده و همی از اتفاق در

ازدیاد انفس محترم گردیده و همی از اتفاق در

تاجر باشی و آقا محمد جعفر امین التجر نیز از ابتدای

شراسکت از ذل احتیاج خود را رهانیده بقسی

شراسکت از ذل احتیاج خود را رهانیده بقسی

مجلس تاسی بان فرزانه مرد سکرده خود را جزء

که امروز دولت روس را از استریا - و بلژیک را از

که امروز دولت روس را از استریا - و بلژیک را از

مستخذهمین این حوضه مقدس قرار داده منسوجات

آلمان - و پورتغال را از اسپانیا - و یونان را از

آلمان - و پورتغال را از اسپانیا - و یونان را از

نقیسه و طلیه را بهرکس مینمودند الحق جناب . . .

ایتالیا - و سرب را از بلغاریا - و ژاپون را از امریکا -

ایتالیا - و سرب را از بلغاریا - و ژاپون را از امریکا -

تاجر باشی درین عمل آبی تغافل و تسامح نورزیدند

و انگلیس را از فرانسه - و قس علی هذا احتیاجی

و انگلیس را از فرانسه - و قس علی هذا احتیاجی

و جناب . . . امین التجر تاجر رشتی نظر به بلندی

همت و جوانمردی که دارد و بحدت قابل از همکنان

همت و جوانمردی که دارد و بحدت قابل از همکنان

و جناب . . . امین التجر تاجر رشتی نظر به بلندی

نیست و تمامی ما بهمتاج خود را بدستباری اتفاق و کثرت اتحاد از اتحاد شرکت در داخله خود فراهم آورده اند
مدبر عالم تمدن علم و روح هیئت جامعه هر ملت
ثروت و اساس این هر دو صفت حیات ابدی میباشد
شرکت است

قدرت روشانی هر دولت و طاقت جسمانی هر ملت
شرکت است که طایفه شرکت مرکب است از غیرت
و همت و حیت و عصیت که اتحاد و اتفاق ما ازین چهار
کلمه با سعادت و برصکت ظهور میکند

(اللهم الرزقنا وارزقنا علی جمیع المسلمین)

(آری با اتفاق جهان میتوان گرفت)

شرکت جلیله اسلامی که از یمن غیرت مندانش و وطن
چندیست تشکیل یافته و بموجب نظامنامه اولیه از
حالات و اساس و افکار خود هر کس را آگاه ساخت
و چیزی بجهت حجت و ایراد معترضین فرو نگذاشت
و علی الاتصال بذریعه مکاتبات و وسیله روزنامه
فریاد (هل من معین یعنی - و هل من ناصر یصرق)
بهر طرف انداخت اما دریغ و درد که درین مدت کسی
بجوابش در مقام ملت خواهی و وطن پرستی بقسی
که شاید و باید پرداخت جز یک نفر محترم یعنی جناب
... حاجی زین العابدین آقا قاسم اف تاجر بادکوبه که
امروز قاطبه اسلامیان را مایه نفر و مباحات است ولی
افسوس ... و آه ... که قدر فرمایند انشرا که هر یک
که اش در کرانههاست هنونده انفاخت و دل ابناء
وطن مقدس و اهالی غیرتند را یکسره بکداخت

اینک کتابچه جدید نظامنامه که الحاق در ترتیب
و تنظیم و نکات بار یک متعلق بمقوق شرکاء و وکلاء و
ریاست و وظیفه رؤسین و مستخدمین و امورات داخله
و خارجه و انتخاب جناب . رئیس . و مدیر و طرز خرید
و فروش اسام و غیره ... نکته فرو گذاری نکرده
معلوم و معین است فصول مندرجه او که از شایع مذاکره
جمعی اشخاص غیور مافله کامل با اطلاع است هم اقرب
هم رفع اغلب احتیاجات ما را مینماید و هم ترقیات کلیه
بجهت ابناء بی بضاعت وطن ما دست میدهد چنانچه
منسوجان فیسه طایفه او که دست مافی برادران اسلامی
وطن مقدس ماست امروز درین مجلس بامیخت که از
اهتمامات کلیه و توجهات واقیه جناب ... عظیم الملک

نماینده محترم و معتمد سیاسی دولت ابد آیت و از حسن
مراضت و علو کفایت جناب ... آقا محمد حسین تاجر باشی
صورت هستی بهمرسانید کوشش و کفش باید کرد و
این شرکت اسلامی که اولین علامت مدنیت تاریخی
ایرانیان بلکه اسلامیان درین مایه آخرین است توسیع داد
و استعمال منسوجان او را اول وظیفه حقوق اسلامیست
بدرجات و مراتب السایت شمرده که درین باب هر چه
زودتر اقدام بشود دیر محده است (بر رسولان بلاغ
باشد و بس)

﴿ مکتوب از رشت ﴾

§ مؤید الاسلام - این هفته اخبارات جدیده هانا
از دحام آقایان کرام یعنی جناب مستطاب حاجی آقا رضای
شریعت مدار - و جناب مستطاب حاجی میرزا محمد رضای
حاجی آقا محمد - و جناب سالار انجم - و محترم الملک است
که از جناب نصر السلطنه امیر اکرم تلکرافاً به اتابک
و شاه شکایت ده منزل ایشانرا خواستار شده بودند
جواب رسید - تا مراجعت شاه صبر کنید
المنصف را نباید از دست داد مانند حکومت
نصر السلطنه حکومتی را سراغ نداریم چون حضرات خود
متعدی هستند بدان لحاظ بازار را آشفته میخواهند
و سائلیکه دامن زن این نازه ففاق شده یکی آنکه برادر
معین المملک که داماد سالار انجم است با سر بازی نزاع
کرده سر سر باز را میشکنند و در منزل سالار متحصن
میشود بحکم حکومت بیرونش کشیده چوب زیاد زدند
مسلم است که چون شریعت مدار صیبه سالار را
رای پسر خود گرفته از حیات ناچار بود.

سبب دیگر یکی از معلمین مدرسه شرافت کوش
پسر سالار را چنان کشید که خون جاری شد بناه
علیه سالار پسر خود لانه نفر از اولاد و اناه خویشرا
از مدرسه بیرون برد - روز دیگر زیاد از سی نفر
از شاگردان بیرون رفتند اگر از ترس سردار نبود
تاکنون یک نفر در مدرسه شرافت نمانده بود تمام اسباب
اضمحلال و اعداء ... در راه است مدیر مدرسه است
سردار معظم صیبه طایفه جناب مدیر الملک را برای
فرزند مکرم خود جناب مرتضی قلیخان عقد بسته
مجلس بسیار با شکوهی انعقاد نمود و پسانتی کراف
درین راه صرف کردید هنوز عروسی نشده شد.

می شود خیل مجل عروسی خواهد شد

مدرسه وطن منتهای ترقی را دارد و شاکردانش
بواسطه ترقیات علمیه و ادبیه همروزه در ترقی و ازدیادند -

مدیر مدرسه کویا اراده دارد که از (ایروان) یک معلم
روسی زبان معلمان برای تأیید و امداد خود طلب نماید
امید است این مدرسه ملی مایه سرفرازی اهالی گردد

❖ اخبارات داخله ❖

§ در ضلع (مردونی) ضعیفه برای قضای حاجت بیرون
رفته ماری در آنجا خفته داخل شکمش گردید بعد از
معالجه زیاد ماری بیرون آمد و ضعیفه نیز جان تسلیم نمود

§ در جزیره سیلون مشهور شد که قیدیان را در
جشن تاجگذاری آزاد نخواهند نمود - ازین رو تمام
قیدیان در حبس خانه غوروش نموده چند نفر مجروح
و ۲ نفر فرار کرده اند

§ اخبارات مینویسند که در اروپا چند نفر داکتر
در علاج دماغ بریده مهارتی بسزا حاصل نموده
یعنی دماغ بریده را مثل چشم مصنوعی می سازند این
صنعت بزودی در هند خواهد رسید چه احتیاج
اهالی هند باین صنعت بیش از جاهای دیگر است

§ افواه است که زیاد برصد نفر مزین لندن
شرکت درجهن تاجگذاری دهلی مدعواً خواهند نمود
§ حکومت هند والا حضرت امیر حبیب الله خان را
برای شرکت دربار دهلی مدعو نموده است

§ شنیده میشود که مولوی عبدالجبار خان که وزیر
امارت بهوپال بود امارت (اندور) ایشان را طلب
نموده که امور امارت را به همان عهده که در بهوپال
داغند یعنی وزارت محول او به نماید

§ جهازیکه دیروز از لندن وارد بمبئی عده مهاراجه
برتاب سنکه - مهاراجه دولت سنکه - مهاراجه
سندیا - مهاراجه بیکانیر - مهاراجه او دای سنکه -
جنرل کاشی راول - و جنس رامپنی را حامل بوده
است

§ در ایام مسند لشینی مهاراجه میسور ۳۰ نفر قیدی
را رها نموده اند

§ هفته گذشته عده تلافات طاعونی هند (۲۳۷۱) نفر
بمقابل (۳۷۶۲) نفر بوده - در احاطه بمبئی (۳۱۴۶) در
صوبجات متحده (۱۹۵) در پنجاب (۶۲) بمقابل (۱۰۶)

§ (حسی بیگ) اقدی قونسل دولت علیه عثمانی
مقیم بمبئی که مدتی علیه بود این جهان قانی را وداع
نمود خدایش رحمت کنساز بسیار مرد عبور با نصب
درست رفتار اسلام خواهی بود

§ متصل (بنگلور) تصادمی دو قطار راه آهن
شده غش نفر هلاک و هفتده نفر مجروح گردیده اند از
آن مجروحین نیز ۵ نفر زنده تبهان دشوار معلوم میشود

§ هیئت از طرف دارالعلوم علیکده برای جمع نمودن
وجه اطافه منتخب شده واره (هوشنگ آباد) شده
(۶۰۰) رویه اهالی همراهی کرده اند امید است که
پیش از اینها یشرفت نماید

§ امتحان غش ماهی (اکتبر اسپستت کشر) از
تاریخ ۲۰ تا ۲۵ اکتوبر در (لاهور) خواهد شد

§ محکمه صفائی به (لاهور) از بنک بنکال یک سد
و ۶۰ هزار رویه قرض خواسته که در ۱۲ سال ادا نماید
§ در صوبه پنجاب (۲۴۵) شفاخانه عمومی و ۱۱
شخصی و ۲۴ باب راجع برداة عیسویه موجود است
§ سال گذشته شصت و ۸۶ هزار نفر را در پنجاب
طاعون کوبی نموده اند اسال سالی بر این هستند
که زیاد براین طاعون کوبی شود

§ برای رفع خطرزدی کجرات حکومت هشت ملیون
و بالصد هزار رویه منظور نموده است

§ دخل راه های آهن هند الی نهم ماه آگست
(۱۹۰۲) رویه بوده و از شعبه راه آهن

(نارته و - ترن) هفتصد و ۲۸ هزار رویه باید شده است
§ تعداد خطرزدگان هند (۵۰۲۰۰۴) میباشد نسبت
به هفته قبل ۸۲ هزار ۱۵ نفر بیش شده - در بمبئی
چهارصد و ۱۷ هزار خطرزدگان بشمار آمده - در تمام
هند چهار مایون هفتصد و پنجاه هزار نفر از و جوه
اطافه خطرزدگان بقوت لایمونه رسیده اند

§ در (تهنگو) برمه حریق سختی واقع شده بسیاری
از همارات تجارتنی را خاکستر نموده است تخمینه خساره
تا حال غیر معلوم نیست

§ یکشنبه گذشته در لاهور از عده باران خانه
رمیید نه نفر را تلف ساخته است

§ سوم اکتوبر در خاک افغانستان فاعه سالانه امیر
عبدالرحمن خان مرحوم را مسکرت و بر تمام حکام